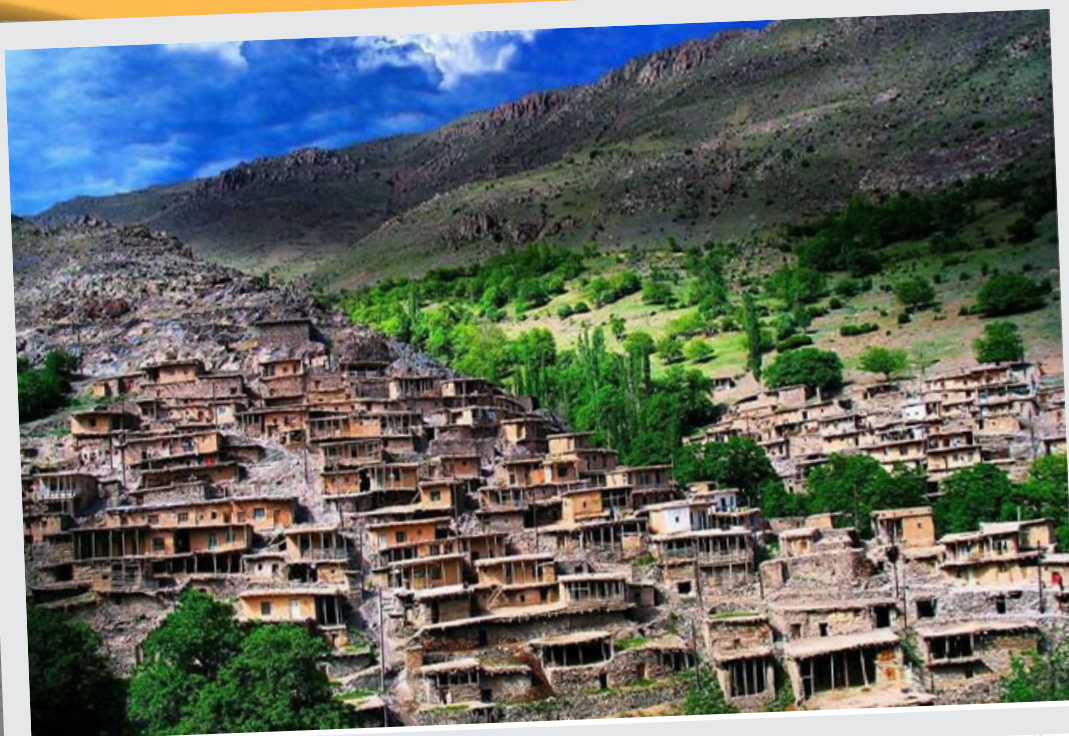




ضرورت سازماندهی حرکت‌های جهادی در کشور در مسیر توسعه روستایی و عشایری



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شماره مسلسل: ۱۹۲۰۴
کد موضوعی: ۲۵۰



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

تاریخ انتشار:
۱۴۰۲/۵/۱۸

عنوان گزارش:
ضرورت سازماندهی حرکت‌های جهادی در کشور در مسیر توسعه روستایی و عشایری

نام دفتر:
مطالعات زیربنایی

مدیر مطالعه:
حجت ورمزیاری

تهیه و تدوین کنندگان:
حجت ورمزیاری، محسن بابایی

ناظران علمی:
علیرضا رهایی، محمدحسن معادی رودسری

اظهار نظر کنندگان:
سینا شیخی (دفتر مطالعات اجتماعی)، فهیمه غفرانی (دفتر مطالعات مدیریت)

همکار:
سجاد روستایی تله جردی

ویراستار ادبی:
شیوا امین اسکندری

تاریخ شروع:
۱۴۰۱/۶/۲۶

تاریخ خاتمه:
۱۴۰۲/۴/۱۲

گرافیک و صفحه آرایی:
آذر مهمان نواز

- واژه‌های کلیدی:**
۱. توسعه روستایی
 ۲. جهاد سازندگی
 ۳. عدالت اجتماعی
 ۴. سازمان‌یافتگی حرکت‌های جهادی
 ۵. حیات طیبه



دفتر مطالعات زیربنایی

فهرست مطالب

چکیده.....	۶
خلاصه مدیریتی.....	۷
۱. مقدمه.....	۹
۲. ضرورت‌های ساماندهی حرکت‌های جهادی در کشور.....	۱۱
۱-۲. اهمیت حرکت‌های جهادی و مردمی‌سازی امور در منظومه فکری انقلاب اسلامی.....	۱۱
۲-۲. گزاره‌های نظری تقویت نقش حرکت‌های مردمی و جهادی در توسعه روستایی و عشایری.....	۱۲
۳-۲. تداوم چالش‌های اساسی مناطق روستایی و عشایری در سایه عدم حرکت جهادی سازمان‌یافته و فراگیر.....	۱۴
۴-۲. دلایل عدم اثربخشی مناسب تحرکات جهادی در رفع معضلات روستا و ایجاد جهش پایدار.....	۱۷
۳. جمع‌بندی.....	۲۱
منابع و مآخذ.....	۲۳

فهرست شکل‌ها

شکل ۱. فرایند پیامدهای سازمان‌نیافتگی حرکت‌های جهادی.....	۶
شکل ۲. ضعف‌های حرکت‌های جهادی و مردمی در وضعیت کنونی.....	۲۱



ضرورت سازماندهی حرکت‌های جهادی در کشور در مسیر توسعه روستایی و عشایری

چکیده



عدم اثربخشی مناسب حرکت‌های مردمی و جهادی فعلی در فقرزدایی و محرومیت‌زدایی و توسعه روستایی و عشایری مورد مطالعه قرار نگرفته است. براساس یافته‌های مطالعه حاضر، فعالیت‌ها و حرکت‌های جهادی از سازمان‌یافتگی مناسبی برخوردار نبوده و نوعی موازی‌کاری و ناهماهنگی بین اغلب نهادهای انقلابی در فقرزدایی و محرومیت‌زدایی حکمفرماست. درواقع، حرکت‌های جهادی از نقشه راه مناسب و نظام‌مند پیروی نمی‌کنند. بنابراین به نظر می‌رسد ایجاد وحدت، هماهنگی و انسجام در حرکت‌های مذکور، در عین محترم شمردن تکثر و تنوع فعالیت‌های مردمی و جهادی، لازمه ارتقای اثربخشی آنها در جهش تولید و اشتغال، بهبود عدالت اجتماعی و نهایتاً تحقق حیات طیبه به‌خصوص در مناطق روستایی و عشایری باشد.

به‌رغم برخی پیشرفت‌های ناشی از فعالیت‌های جهادی در عرصه‌های فقرزدایی و محرومیت‌زدایی، هنوز فقر و محرومیت از مناطق روستایی و عشایری برچیده نشده و ظرفیت‌های تولید در این مناطق به شکوفایی لازم نرسیده است. کشور در حال حاضر برخلاف دوران حیات نهاد جهاد سازندگی، در تأمین مواد غذایی به‌ویژه محصولات اساسی، وابستگی بالایی به کشورهای خارجی دارد و روند جهشی و شتابان مبتنی بر رعایت ملاحظات پایداری را طی نمی‌کند. این در حالی است که استفاده متراکم از توان جوانان متخصص و انقلابی، به تحول اساسی و جهش در مناطق روستایی و عشایری و در نتیجه استقلال و پیشرفت و آبادانی کشور منجر خواهد شد. ادبیات بین‌المللی نیز امروزه بر نقش اساسی منابع انسانی در توسعه یافتگی جوامع تأکید دارند. با وجود این، چرایی



بیان مسئله

هر چند در سال‌های اخیر مباحث جدی در خصوص سازماندهی حرکت‌های جهادی و احیای نهضت جهاد سازندگی در راستای تحقق اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی به خصوص در حوزه عدالت اجتماعی و برچیدن فقر و محرومیت از چهره مناطق روستایی و عشایری، در بین کارشناسان و برخی از مسئولان کشور شکل گرفته است؛ ولی هنوز در ضرورت این امر اختلاف نظرهایی وجود دارد. با وجود این، تاکنون مطالعه آسیب‌شناسانه مناسبی منتشر نشده است که نشان دهد جایگاه حرکت جهادی سازمان‌یافته و فراگیر در تحقق «رشد عدالت‌محور، پایدار و شتابان» و «خودکفایی و قطع وابستگی» و رفع کاستی‌های دولت در حوزه توسعه روستایی و عشایری چیست؟ سازمان دادن به حرکت‌های جهادی از چه اهمیتی در بین اولویت‌های عدیده نظام اقتصادی کشور برخوردار است؟ تحركات جهادی موجود چه ضعف‌ها و کاستی‌هایی دارند و چرا باید این حرکت‌ها شکل سازمان‌یافته‌تر و فراگیرتری داشته باشند؟ و اگر این مهم اتفاق نیفتد، کشور خصوصاً مناطق روستایی و عشایری با چه مشکلاتی مواجه خواهد شد و چه فرصت‌هایی از دست خواهد رفت؟ از این رو، گزارش حاضر، به بررسی ضرورت‌ها و چرایی سازماندهی و فراگیرسازی حرکت‌های مردمی و جهادی پرداخته است که در ادامه به برخی از نکات مهم اشاره می‌شود.

یافته‌های کلیدی

■ در پاسخ به چرایی توجه به حرکت‌های مردمی و جهادی در مسیر رشد عدالت‌محور و پیشرفت شتابان کشور به‌ویژه در امر فقرزدایی و محرومیت‌زدایی از مناطق روستایی و عشایری، بررسی‌ها نشان می‌دهد، اساساً لازم‌ه تحقق اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی، مردمی‌سازی امور است و این مهم، از طریق پی‌ریزی حرکت‌های مردمی و جهادی در اشکال مناسب میسر می‌شود. در منظومه فکری انقلاب اسلامی، دولت یا بخش خصوصی به تنهایی و بدون حضور حقیقی اجتماعات محلی، نمی‌توانند بر حل مشکلات کشور فائق آیند و به تحقق اهداف انقلاب اسلامی کمک شایانی کنند. پیروزی انقلاب اسلامی، موفقیت در دفاع مقدس و رونق بخشی قابل توجه به توسعه و عمران روستایی در دو دهه اول انقلاب، نمونه‌هایی از نتایج و ثمرات حرکت‌های مردمی و جهادی است که براساس همین فلسفه انجام شده است. لذا اعتماد به مردم و تکیه بر نیرو و توان مردم و استفاده درست از ظرفیت‌های مردمی به‌ویژه جوانان انقلابی، از نظر مقام معظم رهبری یک ضرورت در فقرزدایی و محرومیت‌زدایی و تحقق عدالت اجتماعی است.

■ بررسی ادبیات نوین توسعه روستایی و رویکردهای جدید فقرزدایی و محرومیت‌زدایی نیز حاکی از این است که کلید موفقیت در توسعه، مشارکت و مداخله مستقیم، فعالانه و هدفمند جوامع محلی در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها برای تعیین سرنوشت خویش است که این مهم از طریق نقش‌آفرینی نهادهای تسهیلگر با ماهیت غیردولتی و مردمی و برخوردار از نیت و انگیزه‌های غیرمادی، الهی و عام‌المنفعه امکان‌پذیر است. نهادهای مذکور به جهت برخورداری از ظرفیت‌های خلاقیت و نوآوری، انعطاف‌پذیری، جهان‌بینی توحیدی، روحیه ایثارگری و اخلاص در عمل، آشنایی بهتر با تقاضاها و نیازهای جامعه محلی و پاسخگویی سریع به آنها، اشرافیت بر ادبیات مشارکت مردمی و حسن تعامل با مردم محلی، می‌توانند حلقه اتصال دولت و ملت باشند و با آگاهی‌بخشی، اعتمادسازی، توانمندسازی و توان‌افزایی، به مشارکت فعال و حقیقی ساکنان مناطق روستایی و عشایری در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها برای خروج از فقر و



محرومیت خویش کمک مؤثری کنند. به عبارت کلی تر، با توجه به محدودیت منابع و امکانات و نگاه بروکراتیک و بعضاً تکنوکراتیک در بخش عمده‌ای از دستگاه‌های دولتی و عدم رغبت بخش خصوصی به دلیل ماهیت سودمحوری، تحقق عدالت اجتماعی و توسعه روستایی و عشایری مستلزم پی‌ریزی حرکت‌های مردمی و جهادی است.

■ علاوه بر پی بردن به نقش و اهمیت حرکت‌های مردمی و جهادی در عرصه توسعه روستایی و عشایری کشور، آنچه که اهمیت مضاعف دارد، سازمان‌یافتگی این حرکت‌ها برای برچیدن فقر و محرومیت از چهره مناطق روستایی و عشایری است که بررسی فعالیت‌های گروه‌های جهادی در این عرصه، نشان می‌دهد به‌ویژه پس از ادغام جهاد سازندگی در وزارت کشاورزی در سال ۱۳۷۹، سازمان‌یافتگی حرکت‌های جهادی و مردمی کم‌رنگ شده و به نوعی موازی کاری و پراکنده کاری در عرصه فقرزدایی و محرومیت‌زدایی از مناطق روستایی و عشایری حکمفرماست. این امر سبب شده، با وجود برخی پیشرفت‌ها، هنوز فقر و محرومیت از مناطق روستایی و عشایری برچیده نشود و اقتصاد این مناطق به شکوفایی لازم نرسند. همچنین کشور در حال حاضر در تأمین مواد غذایی به‌ویژه محصولات اساسی کشاورزی خصوصاً دانه‌های روغنی، خوراک دام و پروتئین‌های حیوانی وابستگی بالایی به کشورهای خارجی دارد. این در حالی است که حرکت جهادی مستمر و مبتنی بر ترسیم نقشه راه مناسب، می‌توانست این نقیصه و آسیب را از بین ببرد.

■ به عبارت کلی تر، ناهماهنگی و موازی کاری بین نهادهای انقلابی، فقدان نقشه راه و دیدگاه نظام‌مند و کل‌نگر، نبود سازوکاری برای آموزش و انتقال تجرب کسب شده در فعالیت‌های جهادی و نبود فضا و جریان ساختارمند برای تربیت و کادرسازی نیروهای جهادی و حفظ و به کارگیری آنها، از جمله دلایل عدم اثربخشی حرکت‌های جهادی در تحقق عدالت اجتماعی و رشد عدالت‌محور در تراز انقلاب اسلامی است. این در حالی است که رهبر معظم انقلاب همواره در بیانات متعددی بر ضرورت ایجاد تشکیلات مردمی منسجم، هدفمند، روش‌مند و قانون‌مند، به منظور پیشبرد امور به‌ویژه تحقق اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی تأکیدات فراوانی داشته‌اند.

پیشنهاد سیاستی

با توجه به اینکه به نظر می‌رسد بدون حرکت مردمی مستمر، سازمان‌یافته و همه‌جانبه (نظام‌مند)، فقر و محرومیت از مناطق روستایی و عشایری برچیده نخواهد شد و حرکت شتابان در رهایی کشور از اقتصاد نفتی و وابستگی به واردات کالاهای اساسی کشاورزی شکل نخواهد گرفت. لذا ایجاد وحدت، هماهنگی و انسجام در حرکت‌های مذکور، در عین محترم شمردن تکثر و تنوع فعالیت‌های مردمی و جهادی، لازمه ارتقای اثربخشی آنها در جهش تولید و اشتغال، بهبود عدالت اجتماعی و نهایتاً تحقق حیات طیبه به خصوص در مناطق روستایی و عشایری است. برای تحقق این امر نقش‌آفرینی سازمان بسیج مستضعفین در شناسایی، آموزش، سازماندهی و به کارگیری نیروهای انقلابی به خصوص جوانان متخصص در قالب‌های حقوقی غیردولتی و باثبات، با همکاری سایر نهادهای انقلابی و وزارت جهاد کشاورزی، بسیار ضروری و راهگشا خواهد بود.

۱. مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در بهمن ماه ۱۳۵۷، مقابله با فقر، محرومیت و نابرابری بر جای مانده از رژیم شاهنشاهی خصوصاً در مناطق روستایی و دورافتاده و تحقق «عدالت اجتماعی»، به عنوان مهم‌ترین اهداف و آرمان‌های ناب انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران تعیین شد. در راستای تحقق اهداف مذکور، در طول نزدیک به ۴۴ سال از پیروزی انقلاب اسلامی، اقدام‌های فراوانی را دولت‌های مختلف انجام دادند و در دوره‌هایی به‌ویژه دوره حضور فعالانه «جهاد سازندگی»، توسعه روستایی و عدالت اجتماعی در کانون فعالیت‌ها و برنامه‌ها قرار گرفت. جهاد سازندگی پس از دفاع مقدس، به دلایلی نتوانست روند رو به رشد خود را طی کند و نهایتاً با ادغام در وزارت کشاورزی سابق در دی ماه ۱۳۷۹ به حاشیه رفت [۱]، [۲]. با افول جهاد سازندگی، توسعه روستاها و مناطق عشایری مجدداً به حاشیه رانده شدند و رفته‌رفته با توزیع ناعادلانه خدمات و امکانات در زمینه‌های شغلی، آموزشی، بهداشت و درمان، ورزشی و زیرساخت‌ها و فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات، تبعیض بین شهر و روستا فزونی یافت. در چنین فضایی، برخی نهادهای مردمی و انقلابی با پیروی از فلسفه جهاد سازندگی، در قالب اعزام گروه‌های جهادی و برگزاری اردوهای جهادی و صرف هزینه‌هایی سعی کردند به رفع فقر و محرومیت از روستاها و مناطق محروم کمک کنند. حتی تلاش‌هایی در زمینه خودکفایی محصولات کشاورزی و قطع وابستگی کشور انجام دادند. ولی کشور خصوصاً مناطق روستایی و عشایری همچنان با چالش‌های جدی در زمینه فقر، محرومیت، بیکاری، نابرابری و وابستگی مواجه است و با عدالت اجتماعی در تراز انقلاب اسلامی فاصله دارد.

در راستای رفع این چالش‌ها، در سال‌های اخیر مطالبه عمومی بالایی برای تقویت فرهنگ و روحیه جهادی و احیای جهاد سازندگی به‌منظور جبران عقب‌ماندگی‌ها و پیشرفت و آبادانی جهش‌وار روستاها و مناطق محروم شکل گرفت و با روی کار آمدن دولت سیزدهم به اوج خود رسید. به‌ویژه اینکه رئیس‌محرترم دولت سیزدهم در جلسه «اجتماع هسته‌های مردمی جهاد و پیشرفت» در مورخ ۲۷ خردادماه ۱۴۰۱، بر لزوم ایجاد جریانی جهادی برای سازندگی روستاها و مناطق محروم صحنه گذاشته و بیان داشتند: «ضرورت دارد جریانی با روحیه جهادی برای ایجاد سازندگی و آبادانی در روستاها با هدف فعال کردن اقتصاد روستا ایجاد شود تا با دغدغه‌مندی به حل و فصل بنیادین مشکلات محرومان و روستاییان اقدام کند» [۳]. ایشان این موضوع را پیش‌تر و در جلسه دفاع از وزیر پیشنهادی جهاد کشاورزی در صحن علنی مجلس نیز بیان کردند و با ذکر این جمله که «وزارت جهاد کشاورزی، کشاورزی‌اش خوب است، [ولی] جهادش را باید ما سازماندهی و فعال کنیم» [۴]، بر اهمیت تقویت و فرهنگ و روحیه جهادی در دولت متبوع تأکید کردند. ضمن اینکه وزیر سابق جهاد کشاورزی نیز در برنامه پیشنهادی خود جهت اخذ رأی اعتماد از نمایندگان با عنوان «تحول کشاورزی با رویکرد جهادی»، ارائه «لایحه سازمان جهاد سازندگی روستایی» را یکی از اصلی‌ترین راهبردها و اهداف برنامه پیشنهادی خود بیان کرد [۵].

با وجود دغدغه‌مندی برای احیای جهاد سازندگی و یا به تعبیری دیگر سازمان‌یافته ساختن حرکت‌های جهادی، اختلاف نظرهایی در این رابطه وجود دارد. به عبارتی برخی برخلاف دغدغه‌مندی مذکور معتقد هستند که در حال حاضر دستگاه‌های دولتی از رویکرد بروکراتیک و ناپختگی و ناکارایی زمان اوایل انقلاب فاصله گرفته‌اند و به تنهایی می‌توانند به اهداف انقلاب اسلامی خصوصاً توسعه روستایی و عشایری جامعه عمل بپوشانند و ضرورتی برای نهادهای غیردولتی مبتنی بر حرکت‌های جهادی نظیر جهاد سازندگی وجود ندارد. طرفداران این عقیده همچنین



اقدامات گروه‌های جهادی و فعالیت‌های نهادهای انقلابی به شکل جاری را برای فقرزدایی و محرومیت‌زدایی از روستاها و مناطق محروم و مستضعف کافی می‌دانند و این سؤال را مطرح می‌کنند که این اقدامات و فعالیت‌ها چه نواقصی دارند که باید اصلاح شوند؟ در عین حال دیدگاه دیگری نیز وجود دارد که کارایی و اثربخشی نهادهای دولتی و حرکت‌های جهادی و اقدامات نهادهای انقلابی به شکل فعلی را برای تحقق اهداف متعالی انقلاب اسلامی کافی و مناسب نمی‌داند. براساس این دیدگاه، تحقق عدالت اجتماعی و توسعه روستایی و عشایری در تراز انقلاب اسلامی بدون اصلاح روند و رویه فعلی حرکت‌های جهادی و مردمی با تأکید بر سازمان‌یافتگی آنها میسر نمی‌شود. بنابراین سؤال اصلی این است که اصولاً چه نیازی به حرکت سازمان‌یافته و جهادی به خصوص در مناطق روستایی و عشایری وجود دارد؟ به جز محدود مطالعات موردی مانند «آسیب‌شناسی اردوهای جهادی از نمای پیام‌رسانی فرهنگی»، «نگرش مردم نسبت به عملکرد اردوهای جهادی پزشکی (مطالعه موردی: روستاهای خراسان شمالی)» و «نقد و بررسی طرح احیای جهاد سازندگی» و برخی یادداشت‌های منتشره در سایت‌ها و خبرگزاری‌ها، تاکنون مطالعه جامع و منسجمی برای پاسخ به این سؤال کلیدی منتشر نشده است.

در این راستا، در گزارش حاضر به تحلیل ضرورت‌ها و چرایی سازماندهی و فراگیر کردن حرکت‌های مردمی و جهادی پرداخته شده است. شایان ذکر است که الزامات و چگونگی سازمان‌دهی حرکت‌های مردمی و جهادی در گزارش دیگری مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت. برای پاسخ به سؤال اصلی یادشده، چند سؤال فرعی طرح شده است که شالوده گزارش حاضر را تشکیل می‌دهد. سؤال‌های مورد نظر بدین شرح هستند:

- ۱** حرکت‌های مردمی و جهادی در منظومه انقلاب اسلامی از چه اهمیتی برخوردار است؟
 - ۲** چه گزاره‌های نظری درباره نقش حرکت‌های مردمی و جهادی در توسعه روستایی و عشایری وجود دارد؟
 - ۳** نبود حرکت‌های مردمی و جهادی سازمان‌یافته، چه تأثیراتی در تشدید چالش‌های اساسی در مناطق روستایی و عشایری رخ داده است؟
 - ۴** چرا با وجود نهادهای انقلابی متعدد و فعالیت گروه‌های جهادی، عدالت اجتماعی در تراز انقلاب اسلامی به‌ویژه توسعه مناطق روستایی و عشایری به شکل مناسب محقق نشده است؟
- در راستای پاسخ به سؤالات فرعی یادشده، ابتدا منظومه فکری رهبر معظم انقلاب در باب اهمیت حرکت‌های مردمی و جهادی و به تعبیری «مردمی‌سازی امور» به‌ویژه در بعد اقتصادی تبیین شده است تا بر این اساس بتوان بخشی از پاسخ به چرایی توجه به حرکت‌های مردمی و جهادی در مسیر پیشرفت شتابان کشور و تحقق حیات طیبه را استخراج کرد. در راستای پاسخ به سؤال فرعی دوم، به برخی از گزاره‌های نظری مطرح درباره نقش و اهمیت حرکت‌های مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد همچون گروه‌های جهادی در مسیر توسعه روستایی و عشایری پرداخته شده است. در پاسخ به سؤال فرعی سوم، برخی از چالش‌های اساسی مناطق روستایی و عشایری بیان شده است. بررسی این چالش‌ها از این منظر اهمیت دارد که یکی از عوامل ریشه‌ای آنها، خلأ حرکت‌های مردمی و جهادی سازمان‌یافته در امر توسعه روستایی و عشایری است. در تحلیل چالش‌ها، به آمار و اطلاعات منتشره مراکز ملی (مرکز آمار ایران، بانک مرکزی و وزارتخانه‌ها) و بین‌المللی (فائو و سازمان ملل متحد) استناد شده است. پاسخ به سؤال فرعی چهارم، قسمت انتهایی این بخش را شکل می‌دهد که به دلایل عدم موفقیت مستمر و اثربخش اقدام‌های نهادهای انقلابی در تحقق عدالت اجتماعی مورد انتظار نظام جمهوری اسلامی ایران پرداخته است.

۲. ضرورت‌های ساماندهی حرکت‌های جهادی در کشور

۲-۱. اهمیت حرکت‌های جهادی و مردمی‌سازی امور در منظومه فکری انقلاب اسلامی

یکی از مهم‌ترین نقاط عطف و معجزات پیروزی انقلاب اسلامی، پی‌ریزی حرکت‌های مردمی و جهادی به‌منظور سازندگی کشور، عبور از بحران‌ها و تحقق حیات طیبه است که در سایه باور و اعتماد به قابلیت‌های مردم شکل گرفت. در حقیقت، مردم‌محوری و مشارکت مردم در امور مختلف حاکمیت، یکی از اصول و مبانی نظام جمهوری اسلامی است که در جریان انقلاب اسلامی ایران بروز و ظهور پیدا کرد. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) این موضوع را در دیدار با رئیس‌جمهور و هیئت وزیران وقت در تاریخ ۱۳۷۵/۰۶/۰۸ بدین‌صورت بیان فرموده‌اند: «ما به‌صورت یک اصل، از اوایل انقلاب، روی مشارکت مردم تکیه کردیم. امام رضوان‌الله تعالی علیه، مکرر در مکرر، درباره مشارکت دادن مردم، توصیه می‌کردند و حرف می‌زدند. آن روزها، تفکری هم وجود داشت که مردم را تقریباً از میدان‌های گوناگون دور می‌کرد. بعد هم بحمدالله همه به این رسیدند که نه؛ مردم بایستی در مسائل گوناگون کشور، چه مسائل اقتصادی و چه سایر زمینه‌ها - در مسائل سیاسی که بحمدالله حالا هم دخالت دارند - شرکت و دخالت داشته باشند. امروز هم این طوری است؛ باید هم باشد» [۶].

بر همین اساس بود که بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی، در فرمان تشکیل «جهاد سازندگی» از همه مردم ایران خواستند که به صحنه بیایند و هر کدام با توجه به تخصص و مهارت خود، گوشه‌ای از کار سازندگی کشور را بر عهده گیرند. همچنین امام خمینی (ره) در زمانی که نهاد جهاد سازندگی در حال تبدیل به وزارتخانه بود، تأکید جدی بر مردم‌داری مسئولان و اتکای به مردم در انجام وظایف و تقویت حضور و مشارکت مردمی داشته و در جمع اعضای شورای مرکزی جهاد سازندگی و روحانیون استان‌ها فرمودند: «از حرف‌های جناب‌عالی می‌فهمیم که شما سر موفقیت [یعنی مردم‌داری] را به‌دست آورده‌اید. جهاد، خدمت‌گزار مردم محروم و مستمند بوده است. جمعیت و یا ملتی اگر بخواهند موفق باشند، علاوه بر اینکه برای خدا باید کار کنند و از دیگران چشم‌داشتی نداشته باشند، باید با مردم باشند. بدون مردم نمی‌شود کار کرد و موفقیت حاصل نمی‌شود» [۷].

مقام معظم رهبری همچنین در بیانات دیگری توکل بر خدا و تکیه بر نیروهای مردمی و حرکت‌های جهادی را رمز پیروزی‌ها در انقلاب اسلامی قلمداد کرده و فرموده‌اند: «هر جایی که به خدا تکیه کردیم، به نیروی مردم تکیه کردیم و حاضر به حرکت جهادی شدیم، پیروز شدیم؛ نگاه کنید از اول انقلاب تا حالا، هر جا ما مردم را آوردیم وسط کار، به نام خدا شروع کردیم و حرکت‌مان حرکت جهادی بود، مادر آنجا پیروز شدیم. در خود انقلاب این اتفاق افتاد، مردم آمدند، مردم خیابان‌ها را پر کردند،

قشرهای مختلف مردم آمدند و وسط میدان و حرکت، حرکت جهادی بود» [۸]. رهبر معظم انقلاب معتقدند که «با استفاده از ظرفیت‌های مردمی، می‌توان کارهایی را انجام داد که شاید از عهده چند وزارتخانه هم بر نیاید» [۹]. چرا که از دید معظم‌له، «هر جا مردم می‌آیند دست خدا هم هست. يَدْ اللّٰه مَعَ الْجَمَاعَةِ؛ هر جا مردم هستند، عنایت الهی و کمک الهی و پشتیبانی الهی هم هست» [۱۰]. ایشان پیروزی انقلاب اسلامی، موفقیت در جنگ تحمیلی هشت‌ساله و دفاع مقدس و گذر از گردنه‌های دشوار را از نمونه‌ها و مصادیق عینی استفاده از ظرفیت‌های مردمی و جهادی عنوان کرده‌اند [۱۰].

بنابراین مطابق با کلام امامین انقلاب و تجارب موفقیت‌آمیز دوره معاصر می‌توان گفت، تحقق اهداف نظام جمهوری اسلامی خصوصاً «عدالت اجتماعی» با تکیه بر حرکت‌های مردمی و جهادی و به تعبیری مردمی‌سازی امور یا همان مشارکت واقعی مردم در امور اداری، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و عمرانی امکان‌پذیر است. حال که با شکل‌گیری مردم‌سالاری دینی در کشور، مردمی‌سازی در عرصه سیاسی و اجتماعی پیشرفت‌های خوبی داشته است، ضرورت دارد در سایر عرصه‌ها نیز به‌ویژه عرصه اقتصادی و فقرزدایی، مردمی‌سازی تسری پیدا کند. چرا که نهادهای دولتی رأساً و صرفاً با اتکای به منابع محدود خود نمی‌توانند سبب تحقق پیشرفت انقلابی و شگرف در عرصه اقتصادی خصوصاً در مناطق روستایی و عشایری شوند. این موضوع در بیانات مختلفی مورد توجه رهبر معظم انقلاب قرار گرفته است: «ما هم از اوّل انقلاب تا امروز هر وقتی هر کاری را محوّل به مردم کردیم، آن کار پیش رفته است؛ هر کاری را انحصاری در اختیار مسئولان و رؤسا و مانند اینها قرار دادیم، کار متوقّف مانده است. نمی‌گوییم حالا همیشه هم متوقّف مانده اما غالباً یا متوقّف یا کُند [شده]؛ اگر متوقّف نمانده است، کُند پیش رفته است. اما کار دست مردم که افتاد، مردم کار را خوب پیش می‌برند» [۱۱].

مقام معظم رهبری در جای دیگری اقتصاد دولتی را مورد نقد قرار داده و دولتی بودن اقتصاد را در کنار نفتی بودن آن، دواشکال بزرگ اقتصاد کشور معرفی کرده‌اند.^۱ بر همین اساس، ایشان در بیاناتی در سال ۱۳۹۲، صراحتاً به لزوم نقش‌آفرینی مردم در عرصه اقتصادی اشاره داشته و فرموده‌اند: «کشور در طول ۳۵ سال گذشته به‌ویژه در پیروزی انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس، از حضور و مشارکت مردم نتایج و ثمرات فراوانی به‌دست آورده است و در بخش اقتصاد نیز قطعاً هدایت سرمایه‌های کوچک مردم در مسیر اقتصاد عمومی بسیار راهگشا و مؤثر خواهد بود» [۹]. معظم‌له در بیانات مشابه دیگری به تکیه کردن و بهادادن به مردم در امر اقتصاد تأکید کرده و مقصود از مردم را فعالان، کارآفرینان، مبتکران، صاحبان مهارت، صاحبان سرمایه و نیروهای

۱. «دواشکال بزرگ در اقتصاد ما وجود داشته است: یکی اینکه اقتصاد ما نفتی بود؛ یکی اینکه اقتصاد ما دولتی بود» [۱۱].



متراکم و بی‌شمار کشور معرفی کرده‌اند. متن بیانات ایشان بدین شرح است: «ما بایست به مردم تکیه کنیم، بها بدهیم؛ مردم با امکاناتشان باید بیایند در وسط میدان اقتصادی؛ فعالان، کارآفرینان، مبتکران، صاحبان مهارت، صاحبان سرمایه، نیروهای متراکم و بی‌پایانی که در این کشور وجود دارد، که واقعاً این نیروها هم بی‌شمارند» [۱۰]. از همین رو، رهبر معظم انقلاب، مکرراً بر مفهوم «مردمی‌سازی اقتصاد» تأکید داشته و سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را نیز به جهت تحقق این هدف ابلاغ کردند.

رهبر انقلاب اسلامی در جلسه تبیین سیاست‌های کلی مذکور در مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۰، «مردم‌محوری» را یکی از خصوصیات و بنیان‌های اصلی و الزامات تحقق این سیاست‌ها دانسته و تأکید داشته‌اند که «این اقتصادی که به‌عنوان اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود، مردم‌بنیاد است؛ یعنی بر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست، **اقتصاد مردمی است**» [۱۰]. ایشان درخصوص چرایی تأکید بر مردمی‌سازی اقتصاد و نقش آن در پیشرفت کشور نیز بیاناتی داشته‌اند: «اگر پایه اقتصاد کشور براساس استفاده از ظرفیت‌های مردمی و تولید داخلی برنامه‌ریزی و مستحکم شود، دیگر برای تحریم‌ها و کاهش قیمت نفت عزانمی‌گیریم و دچار نگرانی نمی‌شویم» [۱۱]. معظم‌له همچنین رسیدن به استغنا و بی‌نیازی را در گرو مشارکت آحاد جامعه در سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های اقتصادی دانسته‌اند. به عقیده ایشان «برای اینکه بتوانیم کشور را از لحاظ ثروت ملی به حد استغنا و بی‌نیازی برسانیم، باید سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی و تولید ثروت در معرض انتخاب همه آحاد فعال کشور قرار بگیرد؛ یعنی همه باید بتوانند در این زمینه فعالیت کنند. دولت باید از آن حمایت کند؛ قانون باید از آن حمایت کند. خیل عظیم نیروهای جوان و تحصیلکرده و مدیران مجرب و لایق – که بحمدالله در کشور ما هر دو، هم جوانان تحصیلکرده و هم مدیران لایق زیادند – باید بتوانند پروژه‌های بزرگ و فعالیت‌های کارآفرین و ثروت‌آفرین کشور را به‌دست بگیرند؛ اجرا کنند و پیش ببرند؛ باید بتوانند. کشور از لحاظ منابع مادی و از لحاظ منابع انسانی قوی است» [۱۲]. البته رهبر انقلاب معتقدند که کشور در بها دادن به ظرفیت‌های مردمی در زمینه اقتصادی ضعیف عمل کرده و با خلأهای جدی مواجه است و باید در گام دوم انقلاب اسلامی تمرکز ویژه‌ای در این زمینه ایجاد شود.

بنابر این شالوده بیانات مقام معظم رهبری درخصوص اهمیت و جایگاه حرکت‌های مردمی و جهادی و به یک تعبیر «مردمی‌سازی امور» را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد که مردمی‌سازی امور به‌ویژه در عرصه اقتصادی، به‌عنوان یک اصل اساسی در نظام جمهوری اسلامی ایران مطرح است و تحقق اهداف و آرمان‌های ناب انقلاب اسلامی و عبور از تنگناها و بحران‌های کشور به‌ویژه فقر و محرومیت مناطق روستایی و

عشایری، بدون وجود حرکت‌های مردمی و جهادی سازمان‌یافته میسر نیست. البته مردمی‌سازی امور خاصه امور اقتصادی، اصول و الزاماتی دارد که به‌جهت هدف موردنظر گزارش حاضر، در این مقال نمی‌گنجد و در گزارش دیگری بدان‌ها پرداخته خواهد شد.

علاوه بر تأکید مقام معظم رهبری به بهره‌گیری درست از ظرفیت‌های مردمی در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها برای تحقق اهداف انقلاب اسلامی همچون عدالت اجتماعی و برچیدن فقر و محرومیت، با نگاهی به رهیافت‌ها و نظریات توسعه روستایی و همچنین رویکردهای فقرزدایی و محرومیت‌زدایی طی دهه‌های گذشته نیز می‌توان متوجه شد که با شروع دهه ۸۰ میلادی، رهیافت‌های اوزالیدی و بالا به پایین (غیرمشارکتی) در سیاستگذاری و برنامه‌ریزی برای توسعه روستایی و رفع معضل فقر و محرومیت کنار گذاشته شده و نوعی گذار پارادایمی بر مبنای رویکردهای مشارکتی (اجتماع‌محور) و پایین به بالا شکل گرفته است. رویکردی که استفاده از ظرفیت، توان و امکانات جامعه محلی در طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های توسعه روستایی را رمز موفقیت برچیدن فقر و محرومیت از چهره مناطق محروم و روستایی قلمداد می‌کند و به‌جای تأکید بر محرومیت‌ها، بر شناسایی دارایی‌ها و توانایی‌های محرومان و بالفعل کردن آنها تأکید دارد. در ادامه به برخی از گزاره‌های نظری در این خصوص اشاره می‌شود.

۲-۲. گزاره‌های نظری تقویت نقش حرکت‌های مردمی و جهادی در توسعه روستایی و عشایری

متأخرترین رهیافتی که برای توسعه روستایی متصور می‌شود، رهیافت توسعه بر خاسته از اجتماع^۱ است که با شروع قرن بیستم مطرح شد. این رهیافت به‌نوعی مشتق شده از همان رهیافت توسعه اجتماع‌محور^۲ است که رهیافت غالب در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی بود. البته با توجه به اشتراکات زیادی که در ماهیت این دو رهیافت وجود دارد، بعضاً آنها را به‌جای همدیگر استفاده می‌کنند. براساس رهیافت‌های مذکور که نقطه مقابل رهیافت‌های دولت‌محور یا مرکز‌محور تلقی می‌شوند، کلید موفقیت در توسعه، مشارکت و مداخله مستقیم، فعالانه و هدفمند جوامع محلی در فرایند تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌هاست [۱۳]. به عبارت دیگر، توسعه اجتماع‌محور به مفهوم مداخلات مردمی، برای یاری‌رسانی و ارائه خدمات به خود، در مواقعی است که دولت توانایی پاسخگویی کافی به خواسته‌های آنها را ندارد [۱۴]. ولی جوامع روستایی و عشایری غالباً با محدودیت‌هایی مواجه‌اند که مانع مشارکت مؤثر آنها در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و همچنین یاری‌رسانی به خود می‌شود. به عقیده رابرت چمبرز (۱۹۸۳) – که تجارب تحقیقی و عملی ارزنده‌ای در زمینه توسعه روستایی در کشورهای مختلف داشته

1. Community-Driven Development
2. Community-Based Development

روستایی و عشایری بالاست، رغبت چندانی برای اجرای طرح‌های فقرزدایی و محرومیت‌زدایی به صورت عام‌المنفعه در این مناطق ندارد. از این رو است که حضور نهادهایی تسهیلگر و مشارکت‌ساز با ماهیت غیردولتی و مردمی و با نیت و انگیزه‌های الهی، غیرمادی و عام‌المنفعه برای شناسایی، پیگیری و رفع احتیاجات روستاییان و عشایر و به طور کلی زمینه‌سازی تحقق اهداف انقلاب اسلامی نمود پیدا می‌کند. نهادهایی که امروزه با عناوین مختلفی مانند «سازمان‌های غیردولتی»^۱، «سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن)»^۲، «نهادهای عام‌المنفعه و غیرانتفاعی»^۳ و «نهادهای اجتماع‌محور»^۴ شناخته می‌شوند. سازمان‌های مردم‌نهاد و غیردولتی، عمدتاً نقش تسهیلگر و میانجی‌گر بین بخش‌های عمومی و خصوصی را ایفا می‌کنند [۱۷]. از نظر آر. ویتز نظریه پرداز فرانسوی توسعه زمانی رخ می‌دهد که افرادی به صورت داوطلبانه و با نیت‌های عام‌المنفعه و بهره‌گیری از امکانات شخصی خود و کمک گرفتن از دولت، وارد میدان شوند [۱۸]. این سازمان‌ها، به سبب فارغ بودن از بوروکراسی پیچیده بخش دولتی و منفعت‌طلبی بخش خصوصی، این امکان را دارند که در زمینه‌هایی چون مبارزه با فقر و گرسنگی، کاهش آسیب‌های اجتماعی و غیره، موفق‌تر از بخش‌های خصوصی و دولتی عمل کنند [۱۹].

همچنین سازمان‌ها یا نهادهای مذکور به دلیل اینکه از ظرفیت‌های نوآوری، پاسخگویی سریع به نیازهای محلی و ارائه خدمات مناسب برخوردارند [۲۰] و با ادبیات مشارکت مردمی و حسن تعامل با مردم محلی آشنایی دارند، می‌توانند نقش بسیار مؤثری در آگاهی‌بخشی، اعتمادسازی، تغییر نگرش، ظرفیت‌سازی، توان‌افزایی و نهایتاً جلب مشارکت فعال مردم محلی داشته باشند [۲۱]. از دید هولمن (۱۳۷۷) انعطاف‌پذیری، آشنایی بهتر با اولویت‌های تقاضاها و نیازهای جامعه محلی و پاسخگویی به آنها، آشنایی با زبان، فرهنگ و آداب و رسوم محلی، شناسایی بهتر گروه‌های هدف، درک بهتر انتظارات جامعه محلی از نهادهای دولتی و غیردولتی و اینکه چگونه می‌توانند در مراحل برنامه‌ریزی شرکت کنند، از جمله مزیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد و غیردولتی نسبت به سازمان‌های دولتی است [۲۲]، [۲۳]. بنابراین تشکیل یا گسترش سازمان‌های داوطلبانه، یکی از راه‌های عملی کردن مشارکت برای کاهش فقر روستایی است. به نحوی که سازمان‌های مردم‌نهاد، از طریق توانمندسازی جوامع محلی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی می‌توانند نقش مؤثری در جلب مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود ایفا کنند (رضایی و همکاران، ۱۳۹۷). به اعتقاد اورمزدی (۱۳۹۰) و فال سلیمان و حجتی پور (۱۳۹۰)، «سازمان‌های مردم‌نهاد در روستاها به عنوان بازوان اجرایی و حامیان

است- روستاییان با محدودیت‌هایی نظیر ضعف جسمانی^۱، بی‌قدرتی^۲، انزوا^۳، آسیب‌پذیری^۴ و فقر^۵ مواجه‌اند و این محدودیت‌ها که به عقیده چمبرز «دور باطل فقر» یا «تله محرومیت» نامیده می‌شود، سبب شده است اغلب ساکنان مناطق روستایی از توان لازم و کافی برای مشارکت در تعیین سرنوشت خویش برخوردار نباشند [۱۵]. به بیانی دیگر، عوامل تله محرومیت به‌ویژه انزوا و فقر سبب شده است به رغم وجود ظرفیت‌های بالقوه اقتصادی-اجتماعی در مناطق روستایی و عشایری، ساکنان این مناطق آگاهی، تخصص و سرمایه کافی برای به فعلیت رساندن این ظرفیت‌ها را نداشته باشند. در نتیجه، این محدودیت‌ها خود به بازتولید فقر و محرومیت بیانجامد.

از طرفی به دلایل مختلفی از جمله دورافتادگی و صعب‌العبور بودن مسیرهای دسترسی به بیشتر مناطق روستایی و عشایری، حضور ادارات دولتی در این مناطق ضعیف است و به همین دلیل مشکلات و نیازهای ساکنان مناطق مذکور به موقع و به شکل مناسبی شناسایی و مرتفع نمی‌شود. در مناطقی هم که دستگاه‌های دولتی حضور داشته‌اند، مدیران، مسئولان و کارشناسان مربوطه اغلب به دلیل شناخت ناکافی یا عدم اشراف و درک کافی از فرهنگ، ماهیت و کارکردهای متفاوت مناطق روستایی و عشایری، عمدتاً با همان نسخه‌ها و رویکردهای دیوان‌سالارانه و متمرکز شهری، به تدبیر امور مناطق مذکور پرداخته و در نتیجه طرفی در توسعه روستایی و عشایری نبسته‌اند. نتیجه اینکه دستگاه‌های دولتی به تنهایی نمی‌توانند ساکنان مناطق روستایی و عشایری را از تله محرومیتی که در آن گرفتار هستند، نجات دهند و زمینه مداخله آنها در تعیین سرنوشت خویش را فراهم آورند. چه بسا عملکرد نامناسب دستگاه‌های دولتی در این زمینه و حاکم بودن نگاه بالا به پایین، سبب شده است از یک سو اعتماد روستاییان و جوامع عشایری به این دستگاه‌ها کم‌رنگ شود و از سوی دیگر توانمندی‌ها و قابلیت‌های مشارکتی اجتماعات روستایی تضعیف و وابستگی آنها به دولت تقویت شود. به عبارتی می‌توان گفت دولت‌ها به‌ویژه بعد از افول جهاد سازندگی، برنامه‌های مناسبی برای مشارکت مردم در پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی ترسیم نکرده و راهبردهای مشارکت‌پذیری به صورت فراگیر برای مردم ارائه نداده‌اند؛ این موضوع سبب شده است که جامعه محلی نیز بستری مناسب برای نقش‌آفرینی خود در عرصه‌های جهادی نیابند. بنابراین مسئولیت‌زدایی از مردم با فرهنگ اسلامی و انقلابی مطابقت ندارد و باعث نظاره‌گر شدن مردم، افزایش مطالبات و کاهش اعتماد آنها می‌شود [۱۶].

از طرف دیگر، بخش خصوصی به دلایلی از جمله ماهیت نفع‌طلبی و سودمحوری و اینکه ریسک سرمایه‌گذاری و هزینه تولید در مناطق

1. Physical Weakness

4. Power Lessness

5. Isolation

6. Vulnerability

7. Poverty

8. Non-Government Organization (NGO)



دولت در روستاها به شمار می‌آیند و تأثیر گذاری و تأثیر پذیری اجتماعی و فرهنگی متقابل در این مناطق دارند و موجب تقویت روحیه مشارکتی، بهره‌مندی از دوره‌های آموزشی، بالا رفتن سطح آگاهی‌ها و توانمندی‌ها، ایجاد تنوع شغلی، کاهش وابستگی و در نهایت آشنا شدن با ساز و کار اداری می‌شوند» [۲۴]، [۲۵]، [۲۶].

مضافاً در خیلی از کشورها تجربیات موفقی از حضور سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد در جهت فقرزدایی و توسعه روستایی وجود دارد. غالباً این سازمان‌ها برای حمایت از کشاورزان کوچک، حمایت سیاسی و نهادی، دستیابی قانونی کشاورزان خرده‌پا به اراضی قابل کشت (کشور کامبوج)؛ به حرکت درآوردن منابع برای کمک به مردم روستایی به جای دولت (کشور تایلند)؛ پشتیبانی منابع ارائه خدمات ترویجی، توانمندسازی در زمینه بسیج نیروها، ارزشیابی و بازخورد، برقراری ارتباط با دولت در طول برنامه‌های عمران روستایی (کشور تایوان) نقش ایفا کرده‌اند [۲۷].

در ایران نیز مصداق بارز نهادهای غیردولتی تسهیلگر، گروه‌های جهادی است که بر اساس باورهای الهی و دینی و انگیزه‌های غیرمادی و برخورداری از روحیه تلاش شبانه‌روزی، می‌توانند با بهره‌گیری از تمام ظرفیت خود، تحول شگرفی در توسعه روستایی و عشایری و تحقق عدالت اجتماعی به وجود آورند. امری که در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی متبلور شد و با تشکیل نهضت جهاد سازندگی، پیشرفت‌های چشمگیری در عرصه فقرزدایی و محرومیت‌زدایی از مناطق روستایی و عشایری حاصل آمد. ولی با افول نهاد جهاد سازندگی (ابتدا در قالب تشکیل وزارتخانه جهاد سازندگی در سال ۱۳۶۲ و سپس ادغام در وزارت کشاورزی در سال ۱۳۷۹) به عنوان یکی از اثرگذارترین و کارآمدترین بازوهای نظام جمهوری اسلامی در فقرزدایی و عدالت‌گستری از یک‌سو و عدم تداوم سازمان یافته تحرکات جهادی و مردمی پس از آن از سوی دیگر، مناطق روستایی، عشایری و محروم نه تنها به رشد و شکوفایی لازم نرسیده‌اند؛ بلکه چالش‌های اساسی نظیر وابستگی شدید به واردات برای تأمین بخشی از مواد غذایی، مهاجرت و گسترش حاشیه‌نشینی تشدید یافته است که در ادامه به تفصیل به این چالش‌ها اشاره می‌شود.

۳-۲. تداوم چالش‌های اساسی مناطق روستایی و عشایری در سایه عدم حرکت جهادی سازمان یافته و فراگیر

۳-۲-۱. تشدید وابستگی زیاد به واردات و عدم تحقق خودکفایی در محصولات اساسی

مقوله «خودکفایی» به‌ویژه در محصولات اساسی غذایی از چند جهت حائز اهمیت است. نخست اینکه به از بین بردن فقر غذایی و ارتقای بهداشت تغذیه منجر می‌شود و نقش اصلی در تحقق عدالت اجتماعی

دارد، زیرا یکی از مؤلفه‌های عدالت اجتماعی، «رفع هر گونه فقر و گرسنگی مطلق در جامعه» است. همچنین به لحاظ ایجاد پایداری و کفایت در عرضه مواد غذایی، خودکفایی، امنیت غذایی جامعه را تأمین می‌کند. افزایش ضریب امنیت غذایی نیز به کاهش وابستگی و حفظ امنیت ملی کشور به لحاظ اقتصادی و سیاسی کمک می‌کند. از این رو، اسناد بالادستی از قبیل بند «۹» اصل چهل و سوم قانون اساسی،^۱ بند «۳۲» سیاست‌های کلی نظام در دوره چشم‌انداز^۲ و بند «۲» سیاست‌های کلی نظام در بخش کشاورزی^۳ بر اهمیت خودکفایی و تأمین امنیت غذایی تأکید جدی داشته‌اند. همچنین ماده (۶۱) قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور و ماده (۳۱) قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه نیز دولت را موظف به نیل به خودکفایی در محصولات اساسی زراعی، دامی و آبی به میزان ۹۵٪ در پایان اجرای قانون برنامه کرده است [۳۱] و [۳۲]. علاوه بر این، بر اساس ماده (۳) قانون تمرکز وظایف و اختیارات بخش کشاورزی در وزارت جهاد کشاورزی، دولت موظف به افزایش سالانه ۱۰ درصدی میزان تولید داخلی محصولات و کالاهای اساسی زراعی، باغی و گیاهان دارویی بوده است [۳۳].

با وجود تأکیدات اسناد بالادستی و قوانین یادشده بر تحقق خودکفایی و امنیت غذایی، طبق آمار فائو، درصد وابستگی ایران به واردات غلات طی بازه زمانی ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۰، معادل ۲/۴ برابر شده و از ۱۸/۱ درصد به ۴۳/۱ درصد رسیده است [۳۴]. همچنین آمار و اطلاعات نشان می‌دهد طی یک‌ونیم دهه اخیر، تراز تجاری بخش کشاورزی منفی بوده که نشان از غلبه واردات بر صادرات کشاورزی دارد. به طور مثال آمارها نشان می‌دهد جمعیت ایران در بازه زمانی ۱۳۹۲-۱۳۹۸ حدوداً هشت درصد افزایش یافته است. این در حالی است که در سال ۱۳۹۲ تراز تجاری وزنی بخش کشاورزی و غذا در ایران ۱۴/۲- میلیون تن بوده است و در سال ۱۳۹۸ با بیش از ۲۳ درصد افزایش به ۱۷/۵- میلیون تن رسیده است. همچنین در سال ۱۳۹۸ تراز تجاری ارزشی بخش کشاورزی و غذا در ایران نیز به ۶/۸- میلیارد دلار رسیده است [۳۵].

در خصوص عدم تحقق مقوله خودکفایی در محصولات اساسی، عوامل متعددی نظیر تغییر اقلیم، خشکسالی، کمبود آب و عدم بهره‌وری اراضی کشاورزی دخیل هستند؛ ولی در کنار عوامل مذکور یکی از مهم‌ترین موانع این است که وزارت جهاد کشاورزی، بازوی میدانی کارآمد و مردمی برای تحقق سریع و پایدار خودکفایی، از طریق توانمندسازی کشاورزان و توسعه زیرساخت‌های تولید، از جمله از طریق توسعه مناطق ویژه خودکفایی در محصولات اساسی را ندارد و عمده نقش آفرینی وزارتخانه در بهبود تولید محصولات اساسی، محدود به اصلاح نظام تعرفه، افزایش قیمت تضمینی و ارائه بذور مناسب و برنامه‌ریزی برای واردات است و این امر، اثر پایدار و فراگیری بر خودکفایی نمی‌تواند داشته باشد. مشکلات ذکر شده در حالی است که در دیدگاه جهادی، چنانچه

۱. «تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند» [۲۸].

۲. «تأمین امنیت غذایی کشور با تأکید بر خودکفایی نسبی در تولید محصولات کشاورزی» [۲۹].

۳. «تکیه بر تولید از منابع داخلی و نیل به خودکفایی در محصولات اساسی، به منظور تأمین امنیت غذایی» [۳۰].

روستاییان و عشایر در زمینه مهارت‌ها و دانش روز، تشکلی نیافتگی و نبود مراکز غیردولتی هدایت و حمایت کارآفرینی در سطح محلی با رویکرد اجتماع محور و جهادی، معمولاً سبب شده تا بخش چشمگیری از این اقشار، از سیاست‌های پولی مرتبط با اشتغال‌زایی کم‌بهره باشند و برنامه‌های مذکور توفیقات جدی در بهبود پایدار و خوداتکای معیشت فقرا به دست نیاورند. چه بسا بخش عمده‌ای از این اعتبارات که به اسم حمایت از روستاییان و عشایر پرداخت شده است، توسط سوداگران از مسیر تولید و اشتغال خارج شده و در بازارهای غیرمولد (مانند زمین، طلا، دلار و...) به مصرف رسیده‌اند. انحراف و عدم اثربخشی اعتبارات اشتغال‌زایی موضوع «قانون حمایت از توسعه و ایجاد اشتغال پایدار در مناطق روستایی و عشایری با استفاده از منابع صندوق توسعه ملی» مصوب سال ۱۳۹۶ [۳۷]. نمونه‌ای است که به تفصیل در گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به شماره مسلسل ۱۶۶۹۵ بیان شده است. پرداخت حدود ۵۰ درصد اعتبارات با نرخ سود ۶ درصد به طرح‌های بالای نیم میلیارد تومان که حدود ۲۵۰۰ طرح یا نفر را شامل می‌شود، نشان‌دهنده انحراف جدی این قانون از اهداف خود است [۳۸]. «طرح بنگاه‌های زودبازده» و «طرح اشتغال ضربتی» نیز که مشابه طرح اشتغال پایدار روستایی و عشایری رویکرد تسهیلات محوری یا به تعبیری دیگر پول پاشی داشتند و اقدامات تسهیل‌گرانه برای توانمندسازی و خوداتکاء شدن اقشار مختلف روستایی و عشایری کمرنگ بوده موفقیت‌چندانی در فقرزدایی و اشتغال‌زایی پایدار نداشته‌اند. شایان توجه است که مقام معظم رهبری در سخنرانی تلویزیونی اولین روز سال ۱۴۰۱، پول‌پاشی را مورد نقد جدی قرار داده و مسئولان را از تکرار «خطاهای [دولت‌های] گذشته» در پرداخت چنین تسهیلاتی برای طرح‌های اشتغال‌زایی بر حذر داشته و فرمودند: «پول‌پاشی کردن و بی‌ملاحظه اقدام کردن به جایی نخواهد رسید؛ باید [این] کار خیلی با دقت و مطالعه و درست انجام بگیرد» [۳۹]. حتی در صورت فراهم بودن منابع مالی لازم و کافی، خیلی از روستاییان و عشایر به جهت ضعف دانش و مهارت، به تنهایی توان اشتغال‌زایی و کارآفرینی برای خود را ندارند و به نهادی مجرب و متخصص نیازمند است تا بتواند با روحیه مشارکت‌جویی و حفظ و تقویت عزت و کرامت انسانی مردم، آنها را به سمت سرمایه‌گذاری در کسب کارهای سودده و پایدار هدایت کند. امری که در دوره فعالیت جهادسازندگی به‌ویژه در اجرای طرح‌های عمرانی نمود داشت ولی بعد از انحلال این نهاد پیگیری نشد.

حال سؤال اساسی آن است که با نظامات موجود اشتغال و کارآفرینی و در شرایط عدم سازماندهی توان مردم برای انجام کارهای اثرگذار، اساساً چه افقی برای اشتغال فقرزدا و در عین حال بهره‌ور می‌توان متصور شد به نحوی که معیشت بخش زیادی از جامعه روستایی و عشایری کشور را در مدت زمان مناسب، متأثر سازد؟ طبیعتاً تداوم روند فعلی در تهیه و اجرای طرح‌های اشتغال‌زایی روستایی و عشایری، اثر چندانی در حل معضل

کارگزاران وزارت جهاد کشاورزی بتوانند از مسیر توجه به کرامت انسانی کشاورزان و بهبود معیشت ایشان، اعتماد آنان را به خود افزایش دهند؛ در این صورت، همدلی و هم‌زبانی تقویت شده، مشکلات میدانی کشاورزان به سطوح تصمیم‌گیری منتقل و برطرف شده و زمینه برای اجرای مؤثرتر طرح‌های ارتقای تولید کشاورزی و رسیدن به خودکفایی فراهم می‌شود. اثربخشی بالاتر مروجان وزارت جهادسازندگی سابق نسبت به مروجان وزارت کشاورزی نیز ناشی از توجه نیروهای جهادی به ایجاد همدلی و هم‌زبانی بود. رهبر معظم انقلاب نیز چند روز پس از ادغام وزارت جهادسازندگی در وزارت کشاورزی، در بیاناتی در دیدار جمعی از مردم قم در سالروز قیام ۱۹ دی بر آن صحنه گذاشته و تأکید کردند: «توقع و انتظار این است که همان خصوصیات مثبت و قوی، همان تکیه به نیروی ذاتی خود - که یقیناً نیروهای مؤمن و متعهد وزارت سابق کشاورزی هم از آن استقبال می‌کنند - همان روحیه‌ای که جهادسازندگی را به وجود آورد، این وزارت جدید را - که وزارت جهاد کشاورزی است - شکل دهد تا بتواند مشکلات کشاورزی، مشکلات روستاها، مشکلات صنایع جنبی در روستاها و مشکل مهاجرت را حل کند. در همه بخش‌ها - چه بخش‌های اقتصادی، چه بخش‌های فرهنگی - آن چیزی که می‌تواند گره‌ها را باز کند، حضور عناصر مؤمن، عازم، خودباور، متکی به خدا و معتقد به مردم در رأس کار است. همین‌ها می‌توانند مشکلات اقتصادی را هم برطرف کنند» [۳۶].

۲-۳-۲- عدم شکوفایی قابلیت‌های متنوع اقتصادی مناطق روستایی و عشایری

برچیده نشدن سایه فقر، بیکاری پنهان و پیدا و عدم تحقق خودکفایی در محصولات اساسی کشاورزی، در حالی اتفاق افتاده است که مناطق روستایی و عشایری از قابلیت فراوانی چه در بخش کشاورزی و چه در صنعت و خدمات برخوردارند. این قابلیت‌ها در صورت تقویت روحیه خوداتکایی و متراکم کردن سرمایه انسانی-اجتماعی در مناطق مذکور نظیر آنچه که نهاد جهادسازندگی سابق انجام می‌داد، می‌توانست به صورت جهش‌وار شکوفا شده و به تحقق عدالت اجتماعی و رهایی از وابستگی به درآمدهای نفتی کمک کند. نرخ بیکاری بالا با وجود قابلیت‌های اقتصادی و اشتغال‌زایی فراوان و استفاده نشده در مناطق روستایی و عشایری، دلالت بر ضرورت بازنگری در نسخه‌های موجود اشتغال‌زایی و کارآفرینی در کشور دارد. با وجود قابلیت‌های اقتصادی بالا در مناطق مذکور، بنا به دلایل مختلف، روستاییان و عشایر معمولاً ناتوان از شکوفاسازی این استعدادها و ورود به فعالیت‌های اقتصادی پربازده در بخش‌های مختلف اقتصادی هستند. لذا در اغلب موارد تحول جدی در معیشت این اقشار شکل نمی‌گیرد و این امر با عدالت اجتماعی مغایرت دارد.

با وجود اینکه در طول این سال‌ها بعضاً تسهیلات و منابع اعتباری خوبی برای اشتغال‌زایی و درآمدزایی در مناطق روستایی و عشایری در نظر گرفته شده است ولی موانعی مانند مقررات دست‌وپاگیر، ضعف



این امر در تعارض با عدالت اجتماعی است. طبق آمارها حدود ۱۱ میلیون نفر از جمعیت کشور در اسکونتگاه‌های غیررسمی (مناطق کمتر برخوردار) اسکان دارند [۴۲] که به دلیل محرومیت از خدمات عمومی کافی و مناسب، از کیفیت زندگی مناسبی برخوردار نیستند و ایجاد زیرساخت‌های جدید برای ارائه خدمات عمومی به این مناطق نیز واجد بار مالی فراوانی برای دولت است. از طرفی گسترش سکونتگاه‌های غیررسمی غالباً با تغییر کاربری غیرمجاز اراضی کشاورزی و منابع طبیعی و تخریب محیط زیست همراه بوده است. افزایش مشکلات مدیریت شهری مانند افزایش ترافیک، آلودگی هوا و افزایش نرخ بزهکاری از دیگر تبعات حاشیه‌نشینی است و کشور را به لحاظ امنیتی-سیاسی می‌تواند دچار معضلات اساسی کند. **پرسشی که در این خصوص مطرح می‌شود آن است که آیا می‌توان بدون حرکت مردمی مستمر، سازمان یافته و همه‌جانبه (نظام‌مند)، روند تصاعدی تخلیه جمعیت روستاها و مناطق عشایری را کنترل کرد؟**

بنابراین چالش‌های اساسی ناشی از نبود حرکت جهادی سازمان یافته، انقلابی و مستمر در سطح مناطق روستایی و عشایری را می‌توان در قالب شکل ۱ به تصویر کشید. این شکل، ارتباط فقدان حرکت‌های جهادی سازمان یافته برای فقرزدایی با عدم تحقق مناسب پیشرفت توأم با عدالت را نشان داده است. هر چند، عوامل دیگری به خصوص نابسامانی نظام مدیریت و سیاستگذاری توسعه روستایی کشور، بر مشکلات روستاییان و عشایر اثر گذارند.

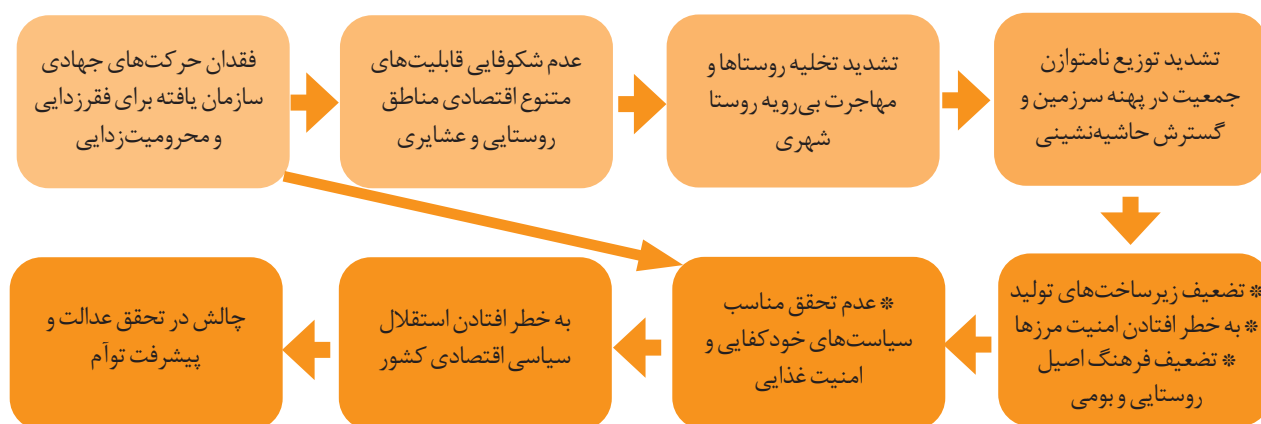
فقر و بیکاری آشکار و پنهان مناطق روستایی و عشایری نخواهد داشت و نیاز تسری و تجلی فرهنگ و مدیریت جهادی برای رفع معضلات مذکور بیش از پیش احساس می‌شود.

۳-۲-۳. تشدید توزیع نامتوازن جمعیت در پهنه سرزمین و افزایش مهاجرت‌های بی‌رویه روستا-شهری

در نتیجه برنامه‌ها و اقدام‌های تمرکزگرا و رشد نامتوازن و به بیان دیگر، تمرکز امکانات در شهرها به خصوص شهرهای بزرگ و کلان شهرها، مهاجرت از سکونتگاه‌های کوچک به شهرهای بزرگ و کلان شهرها تشدید شده است. آمارها حاکی از آن است که نسبت سهم جمعیت روستانشین به شهرنشین در سال ۱۳۷۵، معادل ۳۸/۷ درصد به ۶۱/۳ درصد بود، در حالی که این نسبت در سال ۱۴۰۰، به ۲۴ درصد در مقابل ۷۶ درصد تغییر پیدا کرد [۴۰]. یعنی شهرنشینی در این دوره ۲۵ ساله، نزدیک به ۲۵ درصد رشد داشته است. پیش‌بینی‌ها نیز حاکی از این است که روند کاهش سهم جمعیت روستایی کماکان ادامه خواهد داشت و بنا به گزارش مرکز آمار ایران، در افق ۱۴۱۵ به ۱۹ درصد [۴۰] و بنا به گزارش سازمان ملل، در افق ۱۴۳۰ به زیر ۱۶ درصد خواهد رسید. طبق گزارش سازمان ملل، ایران کشور دهم دنیا از نظر میزان کاهش جمعیت روستایی در دوره ۲۰۵۰-۲۰۱۸ (۱۴۲۹-۱۳۹۷ شمسی) خواهد بود [۴۱].

تخلیه روستاها و گسترش مهاجرت‌های بی‌رویه روستا-شهری به افزایش «پدیده حاشیه‌نشینی و ایجاد سکونتگاه‌های غیررسمی» در اطراف شهرها و کلان شهرها دامن زده است و

شکل ۱. فرایند پیامدهای سازمان نیافتگی حرکت‌های جهادی



استضعاف و نیز کمک به پیشرفت و عمران و آبادانی پایدار مناطق هدف در نقاط محروم» را به عنوان یکی از مأموریت‌های اصلی خود بر شمرده و برای رسیدن به این مقصود، اقدام‌هایی نیز انجام داده است. در بنیاد مستضعفان معاونتی به نام «معاونت محرومین» شکل گرفته بود که در سال ۱۳۸۴ با تغییر ساختار مواجه شد و «بنیاد علوی» به جای آن، به عنوان بازوی محرومیت‌زدایی بنیاد مستضعفان و مسئول پیاده‌سازی «الگوی جامع آبادانی و پیشرفت کشور» تعیین شد. طبق اعلام بنیاد مستضعفان، در حال حاضر بنیاد علوی در ۲۹ منطقه کشور مشغول پیاده‌سازی الگوی آبادانی و پیشرفت است.^۱ بنیاد علوی برای انجام مأموریت‌های خود، «مرکز حرکت‌های مردمی و جهادی» را پایه‌گذاری کرده است.

ستاد اجرایی فرمان امام (ره)، نهاد انقلابی دیگری است که در سال ۱۳۶۸ تشکیل شد. در این سال‌ها با تشکیل نهادهایی، اقدام‌هایی در حوزه محرومیت‌زدایی و توسعه کشاورزی انجام داده است. بنیاد برکت یک نمونه از نهادهای ستاد اجرایی است که توسعه کسب و کار پایدار و توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی جوامع محروم و مناطق روستایی مبتنی بر مزیت‌های نسبی را به عنوان اصلی‌ترین مأموریت خود تعیین کرده است. در این راستا، مدلی تحت عنوان «مدل توسعه روستا» طراحی کرده که مشتمل بر سه حلقه یا طرح می‌شود. طرح آفتاب (آیین‌نامه فقرزدایی و توان‌افزایی برکت)، طرح آسمان (آیین‌نامه سرمایه‌گذاری مردمی و اشتغال نیروی انسانی) و طرح مهتاب (مدل هادی تلاش اقتصادی برکت)، سه ضلع مدل توسعه روستایی بنیاد برکت هستند. ضمن اینکه در ساختار بنیاد برکت، واحدی به نام «گروه‌های جهادی و مردم‌نهاد» شکل گرفته است که به عضوگیری از گروه‌های جهادی می‌پردازد. همچنین بنیاد برکت اقدام به راه‌اندازی قرارگاه‌هایی تحت عنوان «قرارگاه خدمت‌رسانی، امدادی و جهادی» در سراسر کشور کرده است که به نظر می‌رسد بیش از ۱۰ قرارگاه در سطح کشور راه‌اندازی شده باشد [۴۵].

یکی دیگر از نهادهای انقلابی، حساب ۱۰۰ حضرت امام (ره) است که به منظور تأمین و ساخت مسکن برای مستضعفان افتتاح شد. پس از افتتاح حساب ۱۰۰، نهادی به نام «بنیاد مسکن انقلاب اسلامی» شکل گرفت تا امر تهیه مسکن برای محرومان قاعده‌مند شود. «سازمان بسیج سازندگی» نهاد انقلابی دیگری است که یکی از فعال‌ترین اقشار ۲۲گانه زیرمجموعه سازمان بسیج مستضعفین در زمینه فقرزدایی و محرومیت‌زدایی از مناطق روستایی و عشایری و محروم است. شروع فعالیت‌های بسیج سازندگی به ابتدای دهه ۱۳۶۰ برمی‌گردد، ولی زمان تشکیل رسمی آن در اوایل سال ۱۳۷۹ است.

البته طی سالیان گذشته، به منظور رفع چالش‌های فوق‌الذکر، تلاش‌هایی به‌ویژه از سوی نهادهای انقلابی و گروه‌های جهادی صورت گرفته است، ولی به دلیل نبود سازمان‌یافتگی در فعالیت این نهادها و سایر حرکت‌های جهادی، این چالش‌ها به شکل پایدار و درون‌زا مرتفع نشده است و حتی در مواردی ائتلاف اعتبارات را نیز به دنبال داشته است. این موضوع در بخش بعدی مورد تبیین قرار گرفته است.

۴-۲. دلایل عدم اثربخشی مناسب تحرکات جهادی در رفع معضلات روستا و ایجاد جهش پایدار

نهادهای انقلابی متعددی در عرصه سازندگی کشور و خدمت‌رسانی به اقشار مختلف مردم تشکیل شده و شروع به فعالیت کرده‌اند. از جمله این نهادها می‌توان به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی (۱۳۵۷)، بنیاد مستضعفان (۱۳۵۷)، کمیته امداد امام خمینی (ره) (۱۳۵۷)، سازمان بسیج مستضعفین (۱۳۵۸)، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی وابسته به حساب ۱۰۰ امام (۱۳۵۸)، ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره) (۱۳۶۸) و سازمان بسیج سازندگی (۱۳۷۹) اشاره کرد که در ادامه به برخی از مهم‌ترین فعالیت‌ها و اقدام‌های این نهادها در عرصه سازندگی کشور به‌ویژه محرومیت‌زدایی از مناطق روستایی و عشایری اشاره می‌شود. در کنار فعالیت نهادهای انقلابی مذکور، گروه‌های جهادی نیز حضور دارند که کمابیش اقدام‌های گسترده‌ای در عرصه فقرزدایی و محرومیت‌زدایی و تحقق عدالت اجتماعی انجام می‌دهند و نهادهای انقلابی از فعالیت آنها بهره‌مند می‌شوند.

ولی این اقدام‌ها با وجود صرف هزینه‌های فراوان، به تحقق عدالت اجتماعی در تراز انقلاب اسلامی و کاهش سریع وابستگی کشور منتج نشده است. دلایل مختلفی در این عدم موفقیت‌ها دخیل است که در ادامه به تفصیل مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

۴-۲-۱. ناهماهنگی و موازی‌کاری بین نهادهای انقلابی

همان‌گونه که اشاره رفت، هم‌اکنون نهادهای انقلابی مختلفی با تهیه و اجرای طرح‌هایی در عرصه فقرزدایی و محرومیت‌زدایی فعالیت دارند که عملاً هماهنگی مناسبی بین این نهادها مشاهده نمی‌شود. برای مثال بنیاد مستضعفان، نهاد انقلابی است که اساسنامه آن در تاریخ ۱۳۵۸/۰۴/۰۷ به تصویب رسید. مطابق با این اساسنامه، به مصرف رساندن درآمدهای بنیاد در راه بهبود وضع زندگی و مخصوصاً مسکن مستضعفان یکی از اهداف بنیاد مستضعفان قلمداد شده است. با وجود اینکه عنوان و اساسنامه بنیاد مستضعفان در چندین نوبت تغییر پیدا کرده است ولی بنیاد به فعالیت در عرصه فقرزدایی و محرومیت‌زدایی همچنان ادامه داده است. بنیاد مستضعفان «حضور مؤثر در رفع

۱. بنیاد مستضعفان کمتر از یک ماه پس از وقوع انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷، به فرمان حضرت امام خمینی (ره) با هدف تجمیع اموال و دارایی‌های مصادره شده از خاندان پهلوی و وابستگان دربار و تخصیص این دارایی‌ها به مستمندان، تأسیس شد. این مؤسسه در سال ۱۳۶۷ به «بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی» تغییر نام داد و از سال ۱۳۸۲ در پی تفکیک بخش جانبازان و شکل‌گیری بنیاد شهید و امور ایثارگران، این بنیاد با تغییر نام تحت عنوان «بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی» به فعالیت‌های خود ادامه می‌دهد [۴۳].

۲. براساس مطلب منتشرشده در سایت رسمی بنیاد علوی، طرح پیشرفت و آبادانی با نگاه ایرانی-اسلامی و رویکردی یکپارچه و متوازن، طی حضوری سه تا پنج ساله و با مشارکت مردم به عنوان عامل مهم و تأثیرگذار، شاخص‌های زندگی در چهار محور فرهنگی اجتماعی، اقتصاد و اشتغال، سلامت و بهداشت و عمران و آبادانی را ارتقا داده است [۴۴].



زمانی که زمره‌های انحلال جهاد سازندگی مطرح بود، مقام معظم رهبری «طرح تشکیل بسیج سازندگی» را برای استفاده از نیرو و نشاط جوانان در امر سازندگی و همچنین پر کردن اوقات فراغت آنان، در تاریخ ۱۳۷۹/۰۲/۱۷ در حضور فرماندهان و مسئولان سپاه پاسداران مطرح کردند و طی فرمانی خواستار بسیج قشر جوان در عمران و آبادانی مناطق روستایی با همکاری «تیروی مقاومت بسیج (سازمان بسیج مستضعفین فعلی)» و «وزارت جهاد سازندگی وقت» شدند. پس از ادغام وزارت جهاد سازندگی در وزارت کشاورزی در ۱۳۷۹/۱۰/۰۶، نقش بسیج سازندگی برای حفظ روحیه جهادی و تداوم مشارکت انقلابی در سازندگی کشور و پر کردن خلأ این وزارتخانه در اجرای امور عمرانی و آبادانی با برخورداری از فرهنگ و مدیریت جهادی پررنگ‌تر شد. حتی شعار جهاد سازندگی به نام «همه با هم جهاد سازندگی» با کمی تغییر و تحت عنوان «همه با هم بسیج سازندگی» به شعار سازمان بسیج سازندگی تبدیل شد. در حال حاضر سازمان بسیج سازندگی در سطح کشور قرارگاه‌هایی تحت عنوان «قرارگاه محرومیت‌زدایی» ایجاد کرده است. ضمناً در راستای کمک به جریان‌سازی حرکت‌های جهادی، در مجموعه سازمان بسیج سازندگی، مرکز مطالعاتی به نام «مرکز مطالعات و هدایت حرکت‌های جهادی» تعبیه شده است [۴۶].

علاوه بر موارد فوق، کمیته امداد امام خمینی (ره) از جمله دیگر نهادهایی است که ۲۲ روز پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و در ۱۴ اسفند ۱۳۵۷ از سوی حضرت امام (ره) با هدف ساماندهی و رسیدگی به وضعیت معیشت امور محرومان و نیازمندان کشور تأسیس شد. براساس ماده (۶) اساسنامه کمیته امداد امام خمینی (ره) - مصوب ۱۳۹۴/۰۱/۱۵، «بررسی و شناخت انواع محرومیت‌های مادی و معنوی نیازمندان و تبیین آنها و شناسایی افراد و خانواده‌های لازم‌الحامیه در شهر، روستا و عشایر»، «پیشنهاد خط‌مشی، سیاست‌های اجرایی و طرح و برنامه‌های مؤثر برای رفع محرومیت‌ها در ابعاد مختلف به مراجع ذی‌ربط با استفاده از تمام ظرفیت‌های مردمی، دینی و قانونی» و «فراهم آوردن امکانات لازم به‌منظور توانمندسازی، خودتکایی، استقلال اقتصادی افراد و خانواده‌های نیازمند از طریق استعدادسنجی، مهارت‌آموزی، ایجاد اشتغال، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و اعطای وام خدمات در حد توان» و «ارائه تسهیلات قرض‌الحسنه به نیازمندان در چهار چوب ضوابط مصوب هیئت امنا امداد امام» از جمله وظایف این نهاد برشمرده شده است. کمیته امداد امام خمینی (ره) نیز به‌منظور اشتغال‌زایی برای مددجویان و کاهش فقر و محرومیت آنها، اقدام‌های مختلفی انجام داده است.

در کنار فعالیت‌های مذکور، در حال حاضر حدود ۴۲ هزار گروه جهادی در سراسر کشور وجود دارد که بخش عمده آنها ذیل راهبری بسیج سازندگی قرار دارند.

بنابر این نهادهای انقلابی متعددی برای رفع فقر و محرومیت در حال تلاش هستند ولی شفافیت مناسب در وظایف و حدود عمل آنها مشاهده نمی‌شود و این امر می‌تواند به بروز ناهماهنگی‌هایی در انجام وظایف و ارتباطات بین این نهادها منجر شود. این موضوع در مطالعه «بررسی ساختار حکمرانی توسعه پایدار مناطق محروم ایران» اثر خدامرادی و حسین زاده (۱۴۰۰) نیز مورد تأکید قرار گرفته است [۴۸]. در مطالعه رستمی و همکاران (۱۳۹۹) نیز تورم نهادی و موازی‌کاری بین نهادهایی مانند ستاد اجرایی فرمان امام (ره)، کمیته امداد امام خمینی (ره)، بنیاد مستضعفان و سازمان بهزیستی به‌منظور کاهش محرومیت و رفع فقر مورد انتقاد قرار گرفته است [۴۹]. علاوه بر این، یکی از نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی در نطق میان دستور خود در صحن علنی مجلس، با اشاره به اینکه هماهنگی و مدیریت یکپارچه‌ای در خصوص اقدام‌های نهادهای انقلابی برای محرومیت‌زدایی وجود ندارد و نقشه جامعی در خصوص محرومیت‌زدایی که هر سال به‌روزرسانی شود موجود نیست، بر لزوم مدیریت یکپارچه اقدام‌های مربوط به محرومیت‌زدایی تأکید نموده است [۵۰].

برای رفع موازی‌کاری‌ها و اقدام‌های ناهماهنگ فراوانی در عرصه فقرزدایی و محرومیت‌زدایی توسط نهادهای انقلابی، ضرورت پی‌ریزی فرماندهی واحد برای هماهنگی و سازماندهی منابع مالی و نیروها و گروه‌های جهادی و هدایت متراکم آنها جهت حصول موفقیت در این عرصه را بیش‌ازپیش نمایان می‌سازد. مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت (۱۳۸۹/۰۶/۰۸) در نقد موازی‌کاری‌ها و دوباره‌کاری‌ها فرموده‌اند: «دوباره‌کاری‌ها و اضافه‌کاری‌های بی‌منطق را مواظب باشید پیش نیاید و جلوی این بگیرید». رهبر انقلاب «مصرف بی‌جای هزینه‌های انسانی»، «اتلاف منابع مالی»، «ایجاد تناقض در تصمیم‌گیری‌ها» و از همه مهم‌تر «لو‌شدن مسئولیت» را جزو معایب کار موازی برشمرده و تأکید داشته‌اند که این موازی‌کاری‌ها باید یکجوری حل و اصلاح شود [۵۱]. بنابر این در طراحی حرکت‌های غیردولتی برای تحقق پیشرفت فقرزدا و عدالت‌محور در مناطق روستایی و عشایری باید موازی‌ها مدنظر قرار گیرد.

۲-۴-۲. فقدان نقشه‌راه و دیدگاه نظام‌مند و کل‌نگر

همانگونه که پیش‌تر اشاره شد، در حال حاضر قابلیت‌های اقتصادی-اجتماعی فراوانی در بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات در پهنه سرزمین به‌ویژه مناطق روستایی و عشایری وجود دارد، که شکوفاسازی آنها نیازمند اتخاذ دیدگاه نظام‌مند و کل‌نگر و فراهم ساختن همه اجزای مورد نیاز برای بهره‌برداری رساندن بنگاه‌های اقتصادی مربوطه است. برای مثال فرض شود در یک روستا قابلیت اقتصادی مانند چشمه آب معدنی و یا آب گرم وجود دارد ولی مردم آن روستا آگاهی، تخصص

۱. اساسنامه اولیه کمیته امداد امام خمینی (ره) که در تاریخ ۱۳۶۶/۲/۲۰ تنظیم و به توشیح رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (ره) رسیده است بازنویس شده و در ۱۸ ماده و ۱۳ تبصره مورد تأیید ایشان قرار گرفت [۴۷].

اقتصادی مختلف در پهنه سرزمین فعالیت کنند تا نهایتاً نتایج مطلوب در حوزه ریشه‌کنی فقر و اشتغال‌زایی شکل گیرد.

۳-۴-۲. نبود سازوکار مناسب برای آموزش و انتقال تجارب کسب‌شده در فعالیت‌های جهادی بین نهادهای انقلابی

یکی دیگر از ضعف‌هایی که در حرکت‌های جهادی امروزی به چشم می‌خورد، فقدان سازوکاری برای آموزش و انتقال تجارب کسب‌شده در فعالیت‌های جهادی انجام‌شده بین نهادهای انقلابی است. اگر یک مرکز فرماندهی وجود داشت که نقاط ضعف و قوت فعالیت‌های جهادی در زمینه‌های مختلف به‌ویژه اشتغال‌زایی را جمع‌آوری، ساماندهی و الگوی مناسبی استخراج می‌کرد و با نهادهای انقلابی به اشتراک می‌گذاشت، قطعاً در هزینه‌کرد منابع مالی، سرعت عمل افراد و به نتیجه مطلوب رسیدن طرح‌ها آثار شگرفی داشت. در مطالعه‌ای که آسیب‌شناسی اردوهای جهادی از نمای پیام‌رسانی فرهنگی مورد تحلیل قرار گرفته، بر این نکته تأکید شده است که «فعالان حرکت‌های جهادی در برخی موارد، به دلیل ضعف اطلاعاتی، شناخت صحیحی نسبت به روش‌شناسی و ابزارگزینی ندارند و در وسط نبرد نرم اردوی جهادی، دچار تردیدها و ابهام‌هایی می‌شوند» که برای جلوگیری از بروز چنین پیامدهایی، لازم است، راهبردهای اردوهای جهادی، متناسب با تغییر شرایط، پیوسته مورد نقد و بازنگری قرار گیرد [۵۲].

۴-۴-۲. نبود فضا و جریان ساختارمند برای تربیت و به‌کارگیری نیروهای جهادی

در سطح کشور، جوانان کارآمد و متخصص بسیاری هستند که تمایل دارند در فعالیت‌های خیرخواهانه و انسان‌دوستانه و فقرزدایی فعالیت کنند و برای کشور مفید و مؤثر باشند. ولی بستر مطمئن و قابل اعتمادی وجود ندارد که این جوانان را جذب، ساماندهی، توانمند (از نظر اعتقادی، مهارتی و...) و به‌کارگیری کند تا در جهت خدمت به مردم و رشد و اعتلای کشور تلاش و توانمندی خود را به‌کار گیرند. این در حالی است که شهید بهشتی (ره) و مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در بیاناتی به فراهم ساختن چنین بستری تأکید داشته و آن را یکی از اصول برپایی نظام جمهوری اسلامی و رهایی از نظام دیوان‌سالار معمول برشمرده‌اند. توضیح اینکه آیت‌الله شهید بهشتی (ره) در بیاناتی ضمن تأکید بر این اصل که مدیران و کارکنان حکومت اسلامی باید مؤمن به آموزه‌ها، اهداف و ارزش‌های انقلاب و دین اسلام باشند، وظیفه‌مند بودن مسئولان کشور در تربیت انسان‌های مؤمن و کارآمد را اصل دوم برقراری حکومت اسلامی برشمرده‌اند. شهید بهشتی (ره) در خصوص اصل اول فرموده‌اند: «چه کنیم که جمهوری اسلامی عزیز ما دیگر به‌سوی قبول نظام نگاه دیوان‌سالاری و کاغذبازی حاکم بر بخش وسیعی از جهان هبوط نکند؟! [پاسخ این سؤال] رعایت این اصل اسلامی است: کارکنان دولت باید از میان افراد باایمان عادل انتخاب شوند» [۵۳]. ایشان این اصل را «اصل اعتماد مسئولان کشور به امت» نامیده‌اند.

شهید بهشتی (ره) در خصوص اصل دوم نیز چنین فرموده‌اند: «مدیران

و سرمایه کافی برای به‌فعلیت رساندن آن ندارند. در این شرایط باید سازوکار نهادی وجود داشته باشد که از یک‌سو این قابلیت‌های اقتصادی را شناسایی کرده و از طرف دیگر با ایجاد فضای اعتمادساز، منابع مالی، انسانی و امکانات مردم بومی آن روستا را به سرمایه‌گذاری در قابلیت مذکور هدایت کند و از طرف دیگر نیروهای داوطلب متخصص (دانش‌آموختگان) موجود در شهرها را شناسایی و برای اجرای طرح گردشگری در روستای مذکور به‌کارگیری کند.

حتی در صورت عدم کفایت منابع مالی روستاییان، می‌توان از سرمایه‌های شهری استفاده کرد. به این صورت که سازوکار نهادی مذکور با شناسایی شهروندان علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری در مناطق روستایی و عشایری، چه با هدف انتفاع و درآمدزایی و چه به‌صورت داوطلبانه یا خیریه‌ای، سرمایه‌های آنها را برای راه‌اندازی کسب‌وکارهای اقتصادی روستایی و عشایری جذب و متراکم کند. در حال حاضر نهادهای انقلابی چنین رویکرد کل‌نگر ندارند و عموماً به‌صورت نقطه‌ای، انفرادی و عمدتاً با تزریق نقدینگی به واحدهای موجود در صدد ایجاد اشتغال هستند. ولی نوعاً در تأمین تخصص و تأمین مالی مبتنی بر رویکرد شبکه‌سازی نقش‌ی را ایفا نمی‌کنند. به عقیده حسینی نسب و همکاران (۱۳۹۶) به نقل از مقصودی و ولدان (۱۳۹۴)، تلاش‌های صورت گرفته در قالب حرکت‌های جهادی برای دستیابی به هدف رفع محرومیت، از الگوی مشخصی پیروی نکرده و این حرکت‌ها به‌رغم ویژگی‌های بالقوه مانند جوانی، چالاکی، انعطاف عمل، تنوع و تکثر مأموریت‌ها، بومی و مسئله‌محور بودن، هنوز از یک چارچوب منسجم و الگویی هدفمند برای اثرگذاری هر چه بیشتر برخوردار نیستند [۲۰].

به عبارت‌تی، اقدام‌های این نهادها و گروه‌ها، مبتنی بر یک نقشه راه هماهنگ نبوده و در بسیاری از موارد، ظرفیت‌سازی محلی و مردمی در مناطق مربوطه به‌عمل نمی‌آید و لذا نمی‌توان انتظار تحقق پیشرفت پایدار و شتابان را داشت. بخش چشمگیری از این اقدام‌ها از نقشه راه و چارچوب مدونی تبعیت نمی‌کند و هر کدام از نهادها براساس تشخیص و مدل خود به فعالیت می‌پردازند و در بسیاری از موارد، از متخصصان امر توسعه روستایی و عشایری استفاده کافی به‌عمل نمی‌آید.

بنابراین مفهوم «همه با هم جهاد سازندگی» زمانی متبلور می‌شود که کلیه مؤلفه‌های مورد نیاز برای شکوفاسازی یک یا مجموعه‌ای از بنگاه‌های اقتصادی شامل نیروی انسانی متخصص و صادق، منابع مالی مکفی و امکانات سخت‌افزاری مانند ماشین‌آلات در کنار هم قرار گیرند تا نهایتاً قابلیت مذکور به‌فعلیت برسد. هر کدام از این مؤلفه‌ها چنانچه وجود نداشته باشند، عملاً قابلیت مذکور به مرحله شکوفایی نخواهد رسید؛ مانند ساعتی که به‌دلیل نارسایی تنها یک چرخ‌دنده قادر به نشان دادن زمان نیست. این در حالی است که همانند زمان جنگ تحمیلی، مردم باید از اقشار و با توان‌های مختلف به‌صورت خودجوش در قالب گروه‌هایی، سازماندهی شوند و مبتنی بر رویکردهای مردم‌سالارانه دینی و تحت یک فرماندهی واحد و توانمند، در به‌فعلیت رساندن قابلیت‌های



کشور و مدیران جامعه در عین آنکه باید برای حاکمیت مکتب [اسلام] کوشا باشند؛ در برابر خدا، دین خدا و خلق خدا از این نظر مسئولانه عمل کنند، در عین حال باید بدانند **مکتب اسلام در پی جذب و پرورش و رشد دادن به همه انسان هاست**. مدیران و اداره کنندگان، باید خود مسلمانان قبلاً ساخته باشند؛ **اما وظیفه آنها این است که جذب و جریانی به وجود آورند تا او نهایی که تا حالا ساخته نشده‌اند، در اون جو و در اون جریان، امکان ساخته شدن پیدا کنند و اون هم امکانی بالا ...** مبدا مسئولان اداره کشور فکر کنند چون ما روی مکتبی بودن مسئولان و کارکنان تا این اندازه پافشاری داریم، بنابراین بیایند بگویند که ما حکومتی هستیم در خدمت مؤمنان. ای مؤمنان دست‌اندر کار حکومت، شما حکومتی هستید در خدمت کل انسانیت نه فقط در خدمت مؤمنان. رسالت شما این است؛ که با حکم مدیریت تان جذب و جریانی به وجود آورید که در اون جذب و جریان، انسان‌هایی که هنوز مؤمن نیستند، مؤمن شوند» [۵۳]. مقام معظم رهبری نیز در دیدار جمعی از جهادگران جهاد سازندگی در ۱۵ مهرماه ۱۳۷۷ با ذکر این نکته که «شما [جهاد سازندگی] هم باید به سازندگی شهرها و روستاها بپردازید و هم به سازندگی انسان‌ها مشغول شوید. در درون خودتان، مدیران لایق، اشخاص برجسته، دست‌های کارآمد و مغزهای فعال تربیت کنید» [۵۴]، بر ضرورت کادرسازی و تربیت مدیران لایق برای کشور تأکید داشته‌اند.

اظهارات نخبگان و پیشکسوتان جهاد سازندگی نیز این موضوع را تأیید می‌کند. در نامه‌ای که اخیراً و در تاریخ ۱۱ تیرماه ۱۴۰۱ توسط جمعی از پیشکسوتان، علاقه‌مندان و پژوهشگران جهاد سازندگی (سابق) به رئیس‌جمهور محترم ارسال شد، تصریح شده که «در الگوی جهاد سازندگی ابتدای انقلاب، اهمیت نگاه اعتقادی، معرفتی و فرهنگی در ارتباط‌گیری با مردم و در میان خود جهادگران، قبل از هر کار اجرایی بسیار ملموس بوده است. بر همین اساس، کمیته‌های فرهنگی و اعتقادی قبل از کمیته‌های اجرایی و فنی، در جهاد فعالیت می‌کرده‌اند. این موضوع در جهاد سازندگی جدید نیز باید مورد توجه قرار گیرد. این مسئله آن قدر جدی است که برخی پیشکسوتان و پژوهشگران، **تبغات منفی حذف کمیته‌های فرهنگی در سال ۱۳۶۲ از جهاد** را که مقارن با وزارتخانه شدن بود، قابل توجه‌تر از دولتی شدن آن می‌دانند» [۵۵].

درواقع، ایجاد فضا و جریان و کادرسازی مدنظر دکتر شهید بهشتی (ره) و مقام معظم رهبری و تربیت نیروهای مؤمن و کارآمد، با حرکت‌های انفرادی، مقطعی و منقطع موجود محقق نمی‌شود؛ بلکه نیاز به ساختار یا تشکیلات منسجمی دارد که بتواند پس از شناسایی نیروهای مستعد و داوطلب در سطح کشور، با ارائه آموزش‌های نظری و عملی مناسب به‌صورت مستمر و حفظ فضای به‌هم‌پیوسته (مشابه زمان دفاع مقدس)، هم سرمایه‌های روحی و معنوی از جمله اخلاص، امید، اعتماد به نفس، عزت نفس، خودباوری، همیاری و تعاون نیروی انسانی را تقویت کند و هم تجربه و تخصص آنها را در رفع تنگناهای کشور ارتقا دهد؛ یعنی

این جو و جریان، باید بستر سازندگی نفس و سازندگی کشور را توأم با فراهم آورد. یکی از علل ایجاد تشکیلات جهاد سازندگی توسط امام خمینی (ره) نیز تحقق همین امر بوده است که اقشار مختلف مردم فارغ از مشکلات و دغدغه‌های روزمره زندگی، به اهداف متعالی تری فکر کنند و با انگیزه رسیدن به قرب الهی، خدمت‌رسانی بدون منت به مردم را سرلوحه کارشان قرار دهند و برای سازندگی کشور قدم بردارند.

رهبر معظم انقلاب نیز در بیانات متعددی بر ضرورت ایجاد تشکیلات مردمی منسجم، هدفمند، روش‌مند و قانون‌مند، به‌منظور پیشبرد امور به‌ویژه تحقق اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی تأکیدات فراوانی داشته‌اند. از جمله معظم‌له در مصاحبه با روزنامه اطلاعات در تاریخ ۱۳۶۰/۱۱/۲۷ فرموده‌اند: «تشکیلات یکی از فرایض هر گروه مردمی است که یک هدفی را دنبال می‌کنند. ... هیچ کاری در دنیا بدون تشکیلات پیش نمی‌رود. انقلاب اسلامی ایران هم بدون تشکیلات پیش نرفت و پیروز نشد» [۵۶]. در بیان دیگری، ایشان فرموده‌اند: «بدون سازمندی، بدون تشکیلات، مدیریت امکان ندارد و کار هم پیش نمی‌رود» [۵۷]. در کل رهبر انقلاب، اساس کار را ایجاد تشکیلات می‌دانند و اعتقاد دارند «تا تشکیلاتی نباشد، هیچ چیزی براساس آن نمی‌توان بنا کرد» [۵۸].

ضمن اینکه امام موسی صدر در سخنرانی که مورخ هفتم مهرماه ۱۳۴۴ داشته‌اند، نظم‌پذیری و سازمان‌یافتگی را از جمله شروط موفقیت در هر هدفی برشمرده و بیان داشتند: «جهان منظم هست، پس نمی‌شود بی‌نظم زندگی کرد و جامعه امروز ما همه چیزش سازمانی و منظم است، و اگر ما بخواهیم بی‌سازمان و بی‌نظم پیش برویم، موفق نخواهیم شد» [۵۹].

شایان ذکر است، معدود مطالعاتی هم در خصوص آسیب‌شناسی فعالیت‌های گروه‌ها و اردوهای جهادی انجام شده است. براساس این مطالعات از جمله اخوان (۱۳۸۹)، مواردی از جمله «تمرکز بر اهداف حداقلی و میانی و غفلت از اهداف متعالی»، «عدم استمرار و پیگیری اهداف»، «مدیریت سلیقه‌ای مسئولین گروه‌ها و اردوهای جهادی»، «تداخل وظایف و مسئولیت‌ها»، «اطلاعات ناکافی و شناسایی ناقص نسبت به منطقه هدف»، «متنوع بودن اهداف شرکت‌کنندگان در اردوهای جهادی» و «جذب غیراصولی اهالی» از ضعف‌ها و آسیب‌های گروه‌های جهادی برشمرده شده است [۵۲]. این آسیب‌ها خود گویای این واقعیت است که هماهنگی و انسجام، تخصص‌گرایی، جامع‌نگری و انسان‌سازی در فعالیت‌های مربوطه کم‌رنگ بوده است.

بنابراین مجموع مطالب یادشده بیانگر این اصل است که برای شناسایی، جذب، ساماندهی، توانمندسازی و به‌کارگیری نیروهای جوان انقلابی در مسیر تحقق حیات طیبه و عدالت اجتماعی، به سازمندی فعالیت‌های جهادی و تحقق وحدت فرماندهی نیاز است؛ اصلی که در حرکت نهادهای انقلابی و جهادی فعلی رعایت نمی‌شود. به‌طور کلی چالش‌ها و ضعف‌های حرکت‌های جهادی و مردمی فعلی را می‌توان در قالب شکل ۲ به تصویر کشید.

شکل ۲. ضعف‌های حرکت‌های جهادی و مردمی در وضعیت کنونی



۳. جمع‌بندی

(انگیزه‌های الهی و دینی) بود، در آنجا پیروزی حاصل شده است؛ همانند صحنه سازندگی کشور از ویرانی‌ها و خرابی‌ها و صحنه دفاع مقدس. به اعتقاد رهبر معظم انقلاب، این حرکت‌های مردمی و جهادی باید در سایر عرصه‌ها خصوصاً اقتصاد نیز بروز و ظهور داشته باشد که قطعاً حضور و مشارکت مردم با همه امکانات و سرمایه‌های هر چند کوچک در مسیر اقتصاد عمومی، برای پیشرفت کشور بسیار راهگشا و مؤثر خواهد بود. در صورت اجرایی شدن «مردمی‌سازی اقتصاد» به شکل واقعی، قطعاً «عدالت اجتماعی» به عنوان مهم‌ترین هدف و آرمان اصیل انقلاب اسلامی نیز محقق خواهد شد.

با وجود این، کشور به‌ویژه پس از افول جهاد سازندگی سابق در اواخر دهه ۱۳۷۰ شمسی، نتوانسته است به مردمی‌سازی به شکل مناسب جامعه عمل ببوشاند. به‌طوری‌که اقتصاد کشور کماکان اقتصادی دولتی و وابسته به نفت است. نظام برنامه‌ریزی، متمرکز بوده و مشارکت حقیقی مردم در آن جایگاه روشنی ندارد. تأمین امنیت غذایی جامعه و به تعبیری امنیت ملی کشور با توجه به فاصله موجود تا رسیدن به مرحله خودکفایی در محصولات اساسی کشاورزی و وابستگی شدید به دول خارجی، در معرض تهدید جدی قرار دارد. سیاست‌ها و برنامه‌های اشتغال‌زایی

با وجود مطالبه عمومی بالا برای تقویت فرهنگ و روحیه جهادی و سازماندهی حرکت‌های مردمی و جهادی و به تعبیری احیای جهاد سازندگی به‌ویژه در دولت سیزدهم و وجود اختلاف‌نظرهای جدی بین کارشناسان در این خصوص، مطالعه جامعی درباره چرایی و ضرورت‌های احیای جهاد سازندگی منتشر نشده است. در این راستا، مطالعه حاضر سعی کرد با تبیین منظومه فکری رهبر معظم انقلاب در باب اهمیت این موضوع، چالش‌های اساسی مناطق روستایی و عشایری ناشی از نبود مدیریت سازمان‌یافته حرکت‌های مردمی و جهادی و همچنین نقاط ضعف حرکت‌های جهادی و نهادهای انقلابی در تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی، بتواند تا حدودی، به ضرورت‌های سازماندهی و فراگیری حرکت‌های جهادی اشاره کند. به این امید که با شناخت خلأها و چالش‌های موجود بتوان طراحی بهتری در سازماندهی حرکت‌های جهادی کشور انجام داد.

بیانات معمار کبیر انقلاب اسلامی و مقام معظم رهبری متباین این موضوع است که بدون مردم نمی‌شود کار کرد و به موفقیت رسید. از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی تا به امروز، هر جا به نیروی مردم تکیه شده است و مردم در صحنه کارزار حاضر بوده‌اند و تحرکات جهادگونه



به دلیل فقدان رویکرد درست به‌ویژه در نظام تأمین مالی، به اهداف موردنظر نرسیده و بخش چشمگیری از منابع مالی مربوطه به هدف اصابت نکرده است. مردم مناطق روستایی و عشایری به‌عنوان جامعه مولد، ارزش آفرین و تمدن‌ساز کشور، دارای منزلت اجتماعی شایسته نبوده و با وجود قابلیت‌های اقتصادی متنوع و فراوان در مناطق روستایی و عشایری، بخش بسیاری از معیشت پایدار برخوردار نیستند و دچار محرومیت‌هایی هستند. همچنین میزان برخورداری روستائیان و جامعه عشایری از امکانات و خدمات عمومی خصوصاً بهداشت و درمان و آموزش و پرورش در مقایسه با شهرنشینان در سطح پایینی قرار دارد. این نابرابری‌ها در توزیع امکانات و خدمات و عدم شکوفاسازی اقتصاد مناطق روستایی و عشایری، مهاجرت‌های بی‌رویه روستا-شهری را تشدید کرده و به از بین رفتن زیرساخت‌های تولیدی-فرهنگی کشور و تولد سکونتگاه‌های غیررسمی و حاشیه‌نشینی منجر شده است. چندین دهه است که دولت‌ها هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم (آشکار و پنهان) زیادی برای ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی و ارائه خدمات عمومی به این سکونتگاه‌ها متحمل می‌شوند. این وضعیت در تعارض جدی با آرمان عدالت اجتماعی قرار دارد. درحالی‌که اگر در راستای امر «مردمی‌سازی اقتصاد»، برنامه‌ریزی عقلانی برای شکوفاسازی قابلیت‌های متنوع اقتصادی مناطق روستایی و عشایری با بهره‌گیری از توان و سرمایه‌های خود روستائیان و جامعه عشایری صورت می‌گرفت، هم اقتصاد کشور از تک‌محصولی نجات می‌یافت، هم تولید داخلی رونق می‌گرفت و ضریب وابستگی به دول خارجی در تأمین مواد غذایی اساسی کاهش می‌یافت و هم معیشت پایدار و عادلانه برای ساکنان این مناطق ایجاد می‌شد.

حال سؤال اساسی آن است که با نظامات موجود اشتغال و کارآفرینی و در شرایط عدم ساماندهی توان مردم برای انجام کارهای اثرگذار، اساساً چه افقی برای اشتغال فقرزدا و درعین حال بهره‌ور می‌توان متصور شد به‌نحوی که معیشت بخش زیادی از جامعه روستایی و عشایری کشور را در مدت زمان مناسب، متأثر سازد؟ آیا می‌توان بدون حرکت مردمی و جهادی مستمر، سازمان‌یافته و همه‌جانبه (سیستمیک)، روند تصاعدی تخلیه جمعیت روستاها و مناطق عشایری را کنترل کرد؟ آیا با توجه به حاکم بودن بوروکراسی در روند و رویه جاری نظام اجرایی کشور خصوصاً مجموعه وزارت جهاد کشاورزی می‌توان انتظار داشت که خودکفایی در محصولات اساسی کشاورزی اتفاق بیفتد و کشور دیگر برای تحریم‌ها و کاهش قیمت نفت دچار مشکل و نگرانی نشود؟

البته به‌منظور رفع چالش‌های یادشده، اقدام‌ها و برنامه‌های مختلفی نهادهای انقلابی همچون سازمان بسیج سازندگی، بسیج مستضعفین و ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ره)، طراحی و اجرا کرده‌اند، ولی

این حرکت‌ها چون: ۱. از هماهنگی لازم برخوردار نیستند، ۲. از یک نقشه راه مدون و مشخص پیروی نمی‌کنند، ۳. بیشتر حالت انفرادی و نقطه‌ای دارند و ۴. نقاط ضعف و قوتشان به‌خوبی بررسی و یا اصلاح نشده است، نتوانسته‌اند در رفع چالش‌های اساسی به توفیق درخوری دست یابند و به عدالت اجتماعی در تراز انقلاب اسلامی جامعه عمل بپوشانند. به عبارتی تحرکات مردمی و جهادی فعلی از یک رویکرد و جهت واحدی که با همکاری، همراهی و همگامی با یکدیگر، هدف واحدی را محقق سازند، پیروی نمی‌کند. لازمه خروج از چنین وضعیتی، وجود تشکیلات منسجمی است که بتواند با شناسایی، جذب، تربیت و ساماندهی تمامی امکانات و نیروهای مردمی و تدوین نقشه راه مناسب، تحرکات جهادی را برای رسیدن به هدف واحد و مشخص هدایت کند. حتی فرموده رئیس‌جمهور محترم در خصوص ایجاد جریانی با روحیه جهادی برای سازندگی و آبادانی روستاها با هدف فعال کردن اقتصاد روستا و حل و فصل بنیادین مشکلات محرومان و روستائیان، بدون وجود تشکیلات منسجم با روحیه جهادی و سازماندهی حرکت‌های جهادی موجود قابل تحقق نمی‌تواند باشد. ضمناً اگر چنین تشکیلاتی وجود نداشته باشد، «اصل اعتماد مسئولان به امت» که شهید بهشتی آن را یکی از اصول برپایی حکومت اسلامی برشمرده‌اند، مورد خدشه قرار می‌گیرد. اصلی که به الزام دولت برای اعتماد مردم و ایجاد زمینه برای نقش‌آفرینی مستقیم ایشان در تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌های حکومت دلالت دارد. لازمه توفیق در این امر، وجود تشکیلات منسجمی است که بتواند امت را سازماندهی و متراکم کند.

بنابراین همان‌گونه که در متن گزارش نیز آمده است، عبور از تنگناها و چالش‌هایی که در مناطق روستایی و عشایری نهادینه شده و لاینحل به‌نظر می‌رسند و رفع آنها شاید از عهده چندین وزارتخانه هم برنیاید؛ با اعتماد به مردم و تکیه بر نیرو و توان مردم و استفاده درست از ظرفیت‌های مردمی، امکان‌پذیر است. چراکه طبق فرموده مقام معظم رهبری «هرجا مردم می‌آیند دست خدا هم هست. هرجا مردم هستند، عنایت الهی و کمک الهی و پشتیبانی الهی هم هست» و این یعنی رمز پیروزی. در این راستا باید با توجه به بیانیه گام دوم انقلاب، ظرفیت‌های مردمی با محوریت جوانان انقلابی به‌درستی شناسایی، جذب، توانمندسازی و به‌کارگیری شود و این امر میسر نمی‌شود مگر از طریق بازمهندسی حرکت‌های موجود مردمی و جهادی مبتنی بر ویژگی‌های تشکیلات مناسب همانند نهاد جهاد سازندگی و اویل انقلاب با لحاظ اقتضائات زمانی کشور. حال اینکه بازمهندسی مذکور، مبتنی بر چه اصول و یا چارچوب سازمانی باشد و چه اهدافی را دنبال کند، سؤال‌هایی هستند که پاسخ آنها در گزارش بعدی خواهد آمد.



۱. ظهوریان ابوترابی، میثم؛ مرتضوی، سعید؛ محمد، لگزبان؛ فراحی، محمد مهدی، ۱۳۹۷. کشف عوامل مؤثر بر استحاله نهاد جهاد سازندگی: تحلیل شبکه مضامین (مقاله علمی وزارت علوم). مطالعات راهبردی بسیج، ۲۱ (۷۸).
۲. پور عزت، علی اصغر؛ روزبهرانی، خدیجه؛ طاهری عطار، غزاله؛ سعیدآبادی، علی اصغر، ۱۳۹۳. سازمان به مثابه ققنوس: تأملی بر زندگی و مرگ سازمان‌های اجتماعی (مورد مطالعه: جهاد سازندگی). مدیریت دولتی، ۶ (۳).
۳. سخنرانی رئیس‌جمهور محترم در جلسه «اجتماع هسته‌های مردمی جهاد و پیشرفت» در مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۲۷.
۴. بخش اجتماعی-۹۵۹۲۰/۱۷۷-دکتر ساداتی-نژاد-با رویکردی-جهادی-تخصص-می-تواند-مسائل-وزارت-جهاد-کشاورزی-را-دنبال-کند/ http://www.iana.ir.
۵. برنامه پیشنهادی وزیر جهاد کشاورزی دولت سیزدهم «تحول کشاورزی با رویکرد جهادی».
۶. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با رئیس‌جمهور و هیئت وزیران وقت؛ ۱۳۷۵/۰۶/۰۸.
۷. خمینی، روح‌ا... صحیفه امام؛ مجموعه آثار امام خمینی (ره) (بیانات، پیام‌ها، مصاحبه‌ها، احکام، اجازات شرعی و نامه‌ها)، ج ۱۶.
۸. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری؛ ۱۳۹۲/۱۲/۱۵.
۹. بیانات مقام معظم رهبری در جلسه سران قوا؛ ۱۳۹۲/۱۲/۰۶.
۱۰. بیانات مقام معظم رهبری در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی؛ ۱۳۹۲/۱۲/۲۰.
۱۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم آذربایجان؛ ۱۳۹۳/۱۱/۲۹.
۱۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان اقتصادی و دست‌اندرکاران اجرای اصل (۴۴) قانون اساسی؛ ۱۳۸۵/۱۱/۳۰.
۱۳. محمدی، علیرضا؛ روستا، مجید، ۱۳۸۷. توسعه اجتماع محور: سازوکاری برای ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی. نشریه شهرسازی و معماری هفت شهر، ش ۲۳-۲۴.
۱۴. فیروزآبادی، سیداحمد؛ جعفری، محسن، ۱۳۹۵. مطالعه قابلیت‌های سازمان‌های مردم‌نهاد بومی دین‌محور در حل چالش‌های پیش‌روی توسعه اجتماع محور روستایی «مورد مطالعه: گروه جهادی طلاب عباد»، مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی و ایرانی، سال پنجم، ش ۷.
۱۵. چمبرز، رابرت، ۱۳۷۶. توسعه روستایی، اولویت بخشی به فقر، ترجمه: مصطفی ازکیا، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. قدیمی، محمد؛ موسویان، سید سجاد و یخچالی، مصطفی، گزارش کارشناسی «طرح احیای جهاد سازندگی»، ۱۴۰۰، هسته مدیریت جهادی، مرکز رشد دانشگاه امام صادق.
۱۷. خسروی پور، بهمن و اسدی، زینب، ۱۳۹۸. نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در توسعه پایدار روستایی. جغرافیا و روابط انسانی، ۶ (۱۶)، ۸۳-۹۸.
۱۸. پاپلی‌بزدی، محمدحسین و ابراهیمی، محمدامیر، ۱۳۹۰. نظریه‌های توسعه روستایی. انتشارات سمت، تهران.
۱۹. محمدی، محمد، ۱۳۸۳. «سازمان‌های غیردولتی (NGOs): تعاریف و طبقه‌بندی‌ها»، فصلنامه مطالعات مدیریت، ش ۴۱-۴۲.
۲۰. رحیمی‌نسب، مهدی؛ سلیمانی، محمد و ولدان زر قانی، احسان، ۱۳۹۶. تبیین الگوی مطلوب حرکت‌های جهادی در راستای مقابله با فقر و محرومیت با تأکید بر اجتماع محوری و توانمندسازی، مطالعات راهبردی بسیج سال بیستم، ش ۷۷.
۲۱. میرقاسمی، سید ابوالفضل، ۱۳۹۷. سمن‌ها برای کنترل بحران آمده‌اند. یادداشتی در روزنامه اعتماد. دوشنبه ۳ دی ۱۳۹۷. شماره ۴۲۶۴.
۲۲. قرنی آرانی، بهروز، ۱۳۹۳. بررسی نقش برنامه‌ریزی مشارکتی در کاهش فقر روستایی به روش کیفی مطالعه موردی: روستای لزور. پژوهش‌های روستائی، ۵ (۳)، ۴۶۷-۴۸۸.
۲۳. هولمن، هانس، ۱۳۷۷. گستردگی مفرد دولت‌های جهان سوم و تمرکزگرایی آنها. ترجمه بدرالدین اورعی یزدانی. روستا و توسعه، ۲ (۲)، ۱۰۶-۷۵.
۲۴. اورمزدی، محمدرضا، ۱۳۹۰. الزامات بازنگری سیاست‌های توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن) در برنامه‌ریزی و مدیریت گردشگری روستایی ایران، همایش گردشگری و توسعه پایدار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان.
۲۵. فال سلیمان، محمود؛ حجتی‌پور، محمد، ۱۳۹۰. واکاوی میزان پایداری سازمان‌های مردم‌نهاد در مناطق روستایی: تجربیات پروژه بین‌المللی ترسیب کربن در استان خراسان جنوبی، تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال یازدهم، ش ۲۳.
۲۶. جوانی، خدیجه؛ بوزرجمهری، خدیجه؛ شایان، حمید؛ قاسمی، مریم، ۱۳۹۶. وضعیت سازمان‌های مردم‌نهاد در روستاها: فرایند شکل‌گیری، آثار و پیامدها (منطقه مورد مطالعه روستاهای شهرستان رشت‌خوار)، پژوهش‌های روستایی، سال هشتم، ش ۱ (پیاپی ۲۹).
۲۷. جوانی، خدیجه؛ بوزرجمهری، خدیجه، ۱۳۹۳. عملکرد تشکلهای غیردولتی با تأکید بر باشگاه کشاورزان جوان بر توسعه پایدار روستاهای شهرستان تربت حیدریه، همایش ملی مباحث نوین در کشاورزی، تهران.
۲۸. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۵۸ با اصلاحات بعدی.
۲۹. سیاست‌های کلی نظام در دوره چشم‌انداز ۱۳۸۲/۰۸/۱۲.
۳۰. سیاست‌های کلی نظام در بخش کشاورزی؛ ابلاغی ۱۳۹۱/۰۹/۲۹.
۳۱. قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور؛ مصوب ۱۳۹۵/۱۱/۱۰.
۳۲. قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران؛ مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۵.
۳۳. قانون تمرکز وظایف و اختیارات بخش کشاورزی در وزارت جهاد کشاورزی، مصوب ۱۳۹۱/۱۱/۲۴.
34. FAO. (Food and Agriculture Organization of the United Nations). (2021). FAOSTAT Database: Production Quantity (Livestock Primary). Retrieved from <https://www.fao.org/faostat/en/#data/RL>
۳۵. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. ۱۴۰۰. گزارش کارشناسی درباره: «بررسی عملکرد دولت ۵. بخش کشاورزی و منابع طبیعی»، شماره مسلسل: ۱۷۴۹۸.
۳۶. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از مردم قم در سالروز قیام ۱۹ دی؛ مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۹.
۳۷. قانون حمایت از توسعه و ایجاد اشتغال پایدار در مناطق روستایی و عشایری با استفاده از منابع صندوق توسعه ملی؛ مصوب ۱۳۹۶/۰۵/۳۱ با اصلاحات بعدی.
۳۸. عبداللهی، محمدرضا و عزیزخانی، فاطمه، ۱۳۹۸. اظهار نظر کارشناسی درباره: «طرح اصلاح قانون حمایت از تولید و اشتغال پایدار در مناطق روستایی و عشایری»، شماره مسلسل: ۱۶۶۹۵، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۳۹. بیانات مقام معظم رهبری در سخنرانی تلویزیونی اولین روز سال ۱۴۰۱؛ ۱۴۰۱/۱۰/۰۱.
۴۰. مرکز آمار ایران، پیش‌بینی جمعیت به تفکیک استان، مناطق شهری و روستایی و بر حسب جنس از سال ۱۳۹۶ تا ۱۴۱۵.
41. United Nations (2019). World Urbanization Prospects, the 2018 Revision. New York.
۴۲. وزارت راه و شهرسازی، طرح جامع مسکن «۱۴۰۵-۱۳۹۶»، ۱۳۹۶.



۴۳. پرتال رسمی بنیاد مستضعفان به آدرس اینترنتی [/https://bonyadnews.ir](https://bonyadnews.ir)
۴۴. پرتال رسمی بنیاد علوی به آدرس اینترنتی [/https://www.alavi-bonyad.com](https://www.alavi-bonyad.com)
۴۵. پرتال رسمی بنیاد برکت به آدرس اینترنتی [/http://barakatfoundation.com](http://barakatfoundation.com)
۴۶. پرتال رسمی بسیج سازندگی به آدرس اینترنتی [/https://sazandegi.ir](https://sazandegi.ir)
۴۷. پرتال رسمی کمیته امداد امام خمینی (ره) به آدرس اینترنتی <https://www.emdad.ir/fa/content/asasnamh-kmyth-amdad-amam-khmyny-rh>
۴۸. خدامرادی، طیبه و حسین زاده، مهناز. ۱۴۰۰. بررسی ساختار حکمرانی توسعه پایدار مناطق محروم ایران با استفاده از تحلیل شبکه‌های اجتماعی. سیاستگذاری عمومی، ۷(۳): ۹۹-۱۱۵.
۴۹. رستمی ولی، محمدی؛ احمدآبادی، حسین و قطبی، میلاد. ۱۳۹۹. تحلیلی بر مفهوم «تهادهای انقلابی» در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران. پژوهشنامه حقوق اسلامی سال ۲۱. ۳۸۵-۴۱۴.
۵۰. قابل دسترسی در سایت اینترنتی: <https://rc.majlis.ir/fa/news/show/1648098>
۵۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت؛ ۱۳۸۹/۰۶/۰۸.
۵۲. اخوان، محمدعلی، ۱۳۸۹. آسیب‌شناسی اردوهای جهادی از نمای پیام‌رسانی فرهنگی، قم: انتشارات خادم‌الرضا (ع).
۵۳. سخنرانی دکتر شهید سید محمد حسینی بهشتی (ره) در خصوص «عدالت اجتماعی».
۵۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از جهادگران جهاد سازندگی؛ ۱۳۷۷/۰۷/۱۵.
۵۵. نامه جمعی از پیشکسوتان، علاقه‌مندان و پژوهشگران جهاد سازندگی (سابق) به رئیس جمهور دولت سیزدهم؛ ۱۴۰۱/۰۴/۱۱. دسترسی در لینک: <https://b2n.ir/a99309>
۵۶. مصاحبه مقام معظم رهبری با روزنامه اطلاعات؛ ۱۳۶۰/۱۱/۲۷.
۵۷. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها؛ ۱۳۸۹/۰۴/۲۰.
۵۸. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای شورای عالی مجمع جهانی اهل بیت (ع)؛ ۱۳۷۰/۰۷/۰۴.
۵۹. سخنرانی امام موسی صدر؛ ۱۳۴۴/۰۷/۰۷.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیاوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۳۰۰۰ صندوق پستی: ۵۸۵۵-۱۵۸۷۵ پست الکترونیک: mrc@majles.ir

وبسایت: rc@majles.ir